

معاهدات ناظر بر همکاری‌های دولتی و نقش آن‌ها در انتقال فناوری

فیصل عامری*

چکیده

در این مقاله معاهدات ناظر بر همکاری‌های دولتی و نقش آن‌ها در جذب و انتقال فناوری مورد بررسی قرار می‌گیرد. این نوع معاهدات دارای ماهیتی کلی هستند و بنابراین بیانگر تعهدات مستقیم انتقال فناوری نیستند، بلکه زمینه و موجبات انتقال را از طریق ترتیبات دیگری مثل انعقاد قراردادهای ليسانس یا مشارکت و یا برگزاری مراکز تحقیق و توسعه مشترک فراهم می‌سازند. معاهدات مزبور از حیث هدف و موضوع تعهد، یکسان نیستند و به تبع، نقش آن‌ها در انتقال تکنولوژی متفاوت است. بر این اساس، باید میان دو نوع از معاهدات تفاوت قائل شد: معاهداتی که درخصوص انتقال، نقش غیرفعال و در نتیجه غیرمستقیم در انتقال تکنولوژی دارند و معاهداتی که نقشی فعال و مستقیم دارند. در مورد گروه اول، وجود رابطه علی و معلولی میان آن‌ها و انتقال تکنولوژی مورد تردید قرار گرفته و این نتیجه حاصل شده که وجود مجموعه عواملی چون ثبات سیاسی و اقتصادی، قوانین و مقررات داخلی کشور میزبان، عوامل اقتصادی، هزینه‌های مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری و دسترسی به منابع طبیعی، نقش بیش‌تری در جذب سرمایه و فناوری داشته‌اند تا صرف وجود چنین معاهداتی. در مورد گروه دوم، یعنی معاهدات مستقیم و فعال، نخست نقش مثبت آن‌ها در زمینه‌های مختلف صنعتی توضیح داده شده و سپس مصادیق انتقال‌های صورت گرفته، مورد بررسی قرار گرفته است.

با این حال، محدودیت‌هایی در فرایند انتقال مشاهده می‌گردد که هم عوامل خارجی و هم داخلی در این محدودیت تأثیرگذار هستند. مشروط ساختن کمک‌های مالی و فنی به خریدهای اجباری و منوط کردن آن‌ها به خدشه وارد نکردن به رقابت اقتصادی - صنعتی کشورهای کمک‌کننده همچنین سایر عوامل ذی‌ربط در این مجال مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

واژگان کلیدی: معاهدات انتقال تکنولوژی، کمک‌های مشروط، سرمایه‌گذار خارجی، همکاری‌های فنی.

* نویسنده مسئول، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی email:faysalameri@yahoo.co.uk

مقدمه

یکی از ابزارهای رشد اقتصادی و کاهش عقب‌ماندگی صنعتی فراهم بودن «فناوری» است. دسترسی به این عامل اقتصادی، به دلیل این که عمدتاً در اختیار بخش خصوصی جهان توسعه یافته است، آسان نبوده و مالکین خصوصی آن، به منظور حفظ برتری رقابتی خود در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی از انتقالش خودداری ورزیده‌اند و تنها زمانی حاضر به واگذاری یا بهره‌برداری از آن توسط دیگران شده‌اند که یا فناوری‌شان کهنه شده و یا دوران حمایت قانونی از آن منقضی گردیده است. این گرایش از عواملی است که عقب‌ماندگی و در عین حال وابستگی صنعتی کشورهای در حال توسعه را موجب شده است.

بنابراین، از جمله وسایل و ابزارهای دسترسی به فناوری مورد نیاز، استفاده از راه‌های غیر از بخش خصوصی است که معاهدات دولتی، مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شوند. هدف اساسی این مقاله مطالعه و بررسی این ابزار قراردادی است. به عبارتی دیگر، موضوع اساسی این مقاله پاسخ به این پرسش است که آیا معاهدات یا توافقات دولتی می‌توانند وسیله مناسبی برای انتقال فناوری باشند؟ برای پاسخ به این سؤال، معاهدات ناظر بر همکاری‌های دولتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. به این منظور معاهدات مزبور براساس موضوع و دو یا چندجانبه بودنشان بررسی می‌شوند. از این نظر، مقاله در مقام ارزیابی، معاهدات را از حیث موضوع، به دو نوع موافقتنامه‌های غیرمستقیم و مستقیم تقسیم کرده، مورد مطالعه قرار می‌دهد و سپس با عنایت به دوجانبه و یا بین‌المللی بودنشان، آن‌ها را بررسی می‌کند. در عین حال، از آن‌جا که هدف این مقاله، ارزیابی نقش این‌گونه معاهدات در انتقال فناوری است، در بخش مقدماتی، اشاره کوتاهی به تعریف مفهوم فناوری و انتقال آن خواهد شد.

۱. مفهوم «انتقال فناوری»

به‌منظور تعریف انتقال فناوری نیاز به توضیح مفهوم فناوری است. فناوری به مجموعه پویایی از دانش، مهارت و تجربه که برای تولید کالا، به‌کاربری فرایند، ارائه خدمات و فعالیت‌های تحقیق و توسعه به کار می‌رود گفته می‌شود. در این تعریف به دو جنبه می‌توان اشاره کرد: یک جنبه آن، خود دانش است که یا متبلور در کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مثل تجهیزات، ماشین‌آلات، ابزار و وسایل تولید (سخت افزار) است و یا این که به اشکال مختلفی چون جزئیات و خصوصیات مندرج در ورقه اختراع و فرمول‌ها (از جمله نرم‌افزار) ظاهر می‌گردد. جنبه دیگر آن، دانش فنی^۱ است که به مهارت، شیوه، روش و فن به‌کارگیری فناوری مربوط می‌شود. دانش فنی، به اشکال گوناگونی مانند، اطلاعات، مهارت و ظرفیت به‌کارگیری، بهره‌برداری، اصلاح، نگهداری و توسعه فناوری و انطباق آن با اوضاع و احوال اقتصادی و نیز اجتماعی محل

1. know-how

پدیدار می‌گردد. افزون بر این دانش فنی در معنایی دیگر به داشتن اطلاع و آگاهی از منابع فناوری و یا منابع عناصر سازنده فناوری،^۲ نیز اطلاق می‌شود. اهمیت این تقسیم‌بندی را در این واقعیت می‌توان دید که کشورهای در حال توسعه نه تنها فاقد فناوری، بلکه فاقد دانش و مهارت به‌کاربری آن نیز هستند. بنابراین هرگونه انتقال باید علاوه بر فناوری، دانش فنی بهره‌برداری، تعمیر، حفاظت و توسعه آن را در بر داشته باشد. با توجه به این توضیحات، انتقال فناوری را می‌توان به معرفی فناوری (در هر شکل چه سخت‌افزار و چه نرم‌افزار) از یک محیط به محیطی دیگر به‌گونه‌ای که دریافت‌کننده توانایی به‌کارگیری آن را فرا گرفته باشد تعریف کرد.

شایان ذکر است که این تعریف یا فرایند، زمانی می‌تواند از نظر عملی معنادار باشد که کشور دریافت‌کننده، از پیش دانش، تجربه و مهارت‌های لازم را برای به‌کاربری فناوری داشته باشد. بدون داشتن این توانایی‌ها نمی‌توان گفت که انتقال فناوری صورت گرفته است. بنابراین، انتقال واقعی زمانی صورت می‌گیرد که هم خود فناوری و هم دانش فنی به‌کاربری، تعمیر و نگهداری آن به دریافت‌کننده منتقل شده باشد. این انتقال می‌تواند به صورت وارد کردن تجهیزات، ابزار و ماشین‌آلات، تأسیس و راه‌اندازی کارخانه و برگزاری برنامه‌های آموزش پرسنل کشور دریافت‌کننده صورت پذیرد. علاوه بر این، به منظور اعتدالی قابلیت و ظرفیت فناوری دریافت‌کننده در نگهداری، به‌سازی، تعدیل و تطبیق فناوری دریافت شده با نیازهای کشورهای دریافت‌کننده، تأسیس مؤسسات تحقیق و توسعه از ضروریات است. کمک‌های فناورانه از قبیل مبادله کارشناسان و ارائه خدمات مشورتی نیز می‌تواند در بالا بردن قابلیت فناوری کشورها مؤثر باشد.

۲- موافقتنامه‌های همکاری‌های دولتی

برخلاف توافق‌های تجاری، موافقتنامه‌های همکاری‌های دولتی دارای طبیعتی کلی هستند که بیانگر تعهدات و در نتیجه قراردادهای انتقال فناوری نیستند، بلکه زمینه و موجبات توافقات و ترتیبات مربوط به انعقاد قراردادهای انتقال فناوری را فراهم می‌سازند. بسته به دامنه، حجم، موضوع، هدف و تعداد طرفین این نوع همکاری‌ها، انواع متفاوتی از این سنخ از توافق‌های دولتی وجود دارد. برای مثال، این نوع ترتیبات می‌توانند دوجانبه، چندجانبه و منطقه‌ای باشند. از نظر هدف نیز آن‌ها می‌توانند اسلوب کلی داشته، هدفشان ایجاد محیط مساعد سرمایه‌گذاری متقابل بین دو یا چند کشور باشد و یا این‌که هدفی مشخص‌تر مثل مبادله دانش فنی داشته باشند.

به منظور بررسی، در این مقاله این ترتیبات را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: همکاری‌های غیرفعال و

2. know- where

برخی این نوع از دانش فنی را فناوری بازاریابی (marketing technology) می‌نامند.

۱-۲. همکاری‌های غیرمستقیم و غیر فعال

به دلیل تأثیر غیرمستقیمی که این نوع همکاری در انتقال فناوری دارد به همکاری غیرفعال موسوم شده است.^۴ این نوع همکاری، وسیله‌ای است حقوقی که با سیاست کلی خارجی و سایر ترتیبات دوجانبه مرتبط است. هدف از این نوع همکاری، تأمین روابط صلح‌آمیز، تأمین حمایت از منافع اتباع کشورهای طرف معاهده و نیز حمایت قانونی از فعالیت‌های بین‌المللی اشخاص است.

این همکاری‌ها از سابقه دیرینه‌ای برخوردارند و بسته به موضوع مورد توافق، تحت عناوین مختلفی چون «عهدنامه مودت»، «عهدنامه مودت، کنسولی و قضایی»، «عهدنامه دوستی و بازرگانی»، «عهدنامه مودت و تجارت» و «عهدنامه اقامت و تجارت و بحریمایی» منعقد می‌شوند.^۵

از میان این سنخ از معاهدات، توافقات ناظر بر روابط بازرگانی به دلیل تأکیدی که بر رونق بخشیدن بر سرمایه‌گذاری خارجی میان کشورهای طرف توافق دارند، به لحاظ نقششان در توسعه اقتصادی و بخصوص توسعه صنعتی از اهمیت بسزایی برخوردارند. استفاده از این توافقنامه‌ها از دهه پنجاه قرن بیستم میلادی بخصوص از سال ۱۹۵۹، یعنی همزمان با اعتلای جنبش‌های رهایی‌بخش ملی افزایش یافت. با وجود این، مبادرت به تدابیر و اقدامات ملی کشورهای سرمایه‌پذیر، مثل ملی کردن منابع معدنی از یک‌سو و مصادره اموال سرمایه‌گذاران خارجی از سوی دیگر موجب گردید که در خلال دهه ۱۹۶۰ تغییراتی به سود سرمایه‌گذاران خارجی در این نوع معاهدات صورت گیرد.^۶ در دهه ۱۹۹۰، این عهدنامه‌ها به تأثیر از آرای داورهای ناشی از اختلافات میان کشورهای سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذاران خارجی دستخوش تعدیل و

۳. این تقسیم‌بندی براساس کار تحقیقی زیر به عمل آمده است:

OECD, *North/South Technology Transfer. The Adjustment Ahead. Analytical Studies*, OECD, Paris, 1982, Annex III, p. 146.

۴. *Ibid.*

۵. برای اطلاعات بیشتر و دسترسی به این گونه معاهدات ر.ک: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، *راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول* (موجود در وزارت امور خارجه: ۱۳۵۷-۱۳۵۸ هجری شمسی، ۱۸۰۷-۱۹۷۹ میلادی، تهران، ۱۳۶۷ و شاکریان، شاهرخ، و شکوه فقیری (تهیه و تنظیم)، *مجموعه توافقی‌های تشریفاتی ایران و سایر کشورها*، تهران، ریاست جمهوری، اداره کل قوانین و مقررات کشور، اداره چاپ و انتشار، ۱۳۷۵-۱۳۷۶).

۶. البته استفاده از این نوع معاهدات منحصر به کشورهای در حال توسعه نبود و کشورهای توسعه یافته در روابط متفاوت سیاسی، اجتماعی و تجاری میان خود از آن بهره‌برداری می‌کردند. برخی از محققان قدیمی‌ترین این نوع توافق‌نامه‌ها را، عهدنامه مودت، تجارت و کشتیرانی میان فرانسه و ایالات متحده که در سال ۱۷۷۸ منعقد شد، می‌دانند.

M. Sornarajah, *The International Law on Foreign Investment*, (2nd ed.) Cambridge University Press, 2007, at 209.

تغییرات بیش‌تر و عمیق‌تر در جهت حمایت از سرمایه‌گذار خارجی شدند.^۷

برای این‌که بتوان این تغییرات را نشان داد، لازم است به برخی از خصوصیات و یا شروط مقرر در این معاهدات اشاره شود. نسل قدیم این موافقتنامه‌ها که از حیث نگارش - همانند اکثر معاهدات قدیم و جدید - از اسلوبی بسیار کلی تبعیت می‌کردند دارای یک وجه مشترک بودند و آن عبارت از الزام به حمایت از اتباع سرمایه‌گذار کشورهای طرف معاهده بود که براساس رعایت اصل عدم تبعیض و دو اصل مکمل رفتار ملی و شرط دولت کامله‌الوداد استوار بودند. تحولات و رویدادهای فوق‌الذکر دهه پنجاه منجر به این شد که شروط دیگری چون جبران خسارت سرمایه‌گذار خارجی در موارد مصادره اموال و توسل به داوری برای حل و فصل اختلافات به موافقتنامه اضافه شود. هدف، همان‌گونه که پیش از این بدان اشاره گردید، تأمین و تضمین حمایت از سرمایه‌گذار خارجی بود. تحولات به سمت نظام بازار، اصلاحات دیگری چون اصل ثبات و اصل التزام عام^۸ را به همراه آورد. بدیهی است که کلیه تحولات تنها به سود سرمایه‌گذار خارجی نبود، بلکه تغییراتی را به ارمغان آورد که حمایت از منافع اقتصادی کشورهای سرمایه‌پذیر را نیز دربرمی‌گرفت. الزاماتی چون استفاده از کالاها و خدمات محلی و صادرات کالاهای تولیدی به خارج از کشور برای ورود ارز خارجی از جمله این‌گونه تدابیر بودند.^۹

در اکثر معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی دو نوع یا دو گروه متفاوت از شروط معاهده‌ای وجود دارد: الزامی و توصیه‌ای. گروه یا شروط الزامی عمدتاً به منظور حمایت از سرمایه‌گذار خارجی وضع شده‌اند و در این راستا، کشور سرمایه‌پذیر را از مبادرت به هرگونه اقدام یا تدبیری که ممکن است منافع سرمایه‌گذار خارجی را خدشه‌دار سازد، منع می‌کنند. الزاماتی چون رفتار منصفانه و عادلانه، رفتار ملی و شرط دولت کامله‌الوداد از جمله این الزاماتند.^{۱۰} البته در بسیاری از معاهدات تعهدات دیگری هستند که کشور میزبان ملزم به اجرای آن‌ها است؛ مثل تضمین جبران خسارت براساس معیارهای بین‌المللی، تضمین در آزادی انتقال و بازگشت سرمایه و سود سرمایه‌گذار خارجی و نیز حق این سرمایه‌گذار به توسل به داوری بین‌المللی

7. UNCTAD (2006), *International Investment Arrangements: Trends and Emerging Issues*, UNCTAD Series on International Investment Policies for Development, United Nations, New York and Geneva, 2006, UNCTAD/ ITE/ IIT/ 2005, 11, p. 3.

8. the stabilization and umbrella clauses

برای توضیح بیش‌تر درخصوص این دو شرط ر.ک: عامری، فیصل، «شرکت‌های نفتی و معضل اعمال حمایت دیپلماتیک توسط ایران»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۳۲۹-۳۵۴؛ و صحرانیان، علی، «ثبات قراردادی با تأکید بر نمونه قراردادهای اکتشاف و استخراج»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۲۸۹-۳۲۷.

9. M. Sornarajah, *op.cit.*, pp. 217- 258.

10. UNCTAD (2009), *The Role of International Investment Agreements in Attracting Foreign Direct Investment to Developing Countries*, UNCTAD Series on International Investment Policies for Development, UN, New York and Geneva, 2009, UNCTAD/DIAE/IA/2009/5, p. 16.

در موارد بروز اختلاف در سرمایه‌گذاری. الزامات نوع اول به الزامات بازدارنده یا سلبی^{۱۱} موسومند و الزامات نوع دوم به تعهدات ایجابی یا فعال^{۱۲}.

گروه دیگر، شروط ترغیبی هستند و هدفشان، این است که با ایجاد شرایط مساعد،^{۱۳} سرمایه‌گذار خارجی را به انتقال فناوری تشویق کنند. این نوع شروط، توصیه‌ای هستند و اجرای برنامه‌ها یا شروط مندرج در معاهدات را منوط به تصمیم سرمایه‌گذار می‌کنند.^{۱۴} از مصادیق این نوع از همکاری‌ها، توافقنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خارجی بین کشورهای سرمایه‌فرست و کشورهای سرمایه‌پذیر است که هدف از هر دو کشور، تشویق سرمایه‌گذاری در قلمرو یکدیگر است.

توافقنامه ۱۹۸۵ جمهوری خلق چین با جمهوری فرانسه در خصوص تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری از نمونه‌های این‌گونه همکاری دو جانبه است.^{۱۵} هدف اساسی موافقتنامه در مقدمه پیش‌بینی شده است. این هدف «توسعه همکاری اقتصادی بین دو کشور» می‌باشد که از شرایط رسیدن به آن، ایجاد وضعیت مساعد برای سرمایه‌گذاران کشورهای متعاقد در سرزمین‌های یکدیگر است. در این راستا، مواد ۲ تا ۶ این موافقتنامه موارد زیر را پیش‌بینی کرده‌اند:

- تجویز و تشویق اتباع کشورهای متعاقد به سرمایه‌گذاری در قلمرو خود،

- رعایت شرط ملت کامله‌الوداد نسبت با اتباع کشورهای متعاقد،

- تأمین حمایت از سرمایه‌گذاران کشورهای متعاقد در قلمرو یکدیگر.^{۱۶}

تأثیر غیرمستقیم چنین موافقتنامه‌هایی، افزایش درصد ورود کالاهای سرمایه‌ای، سرمایه‌گذاری خارجی و همکاری فنی است. طبق تحقیقاتی که در این خصوص انجام گرفته ورود کالاهای سرمایه‌ای، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مشارکت‌های مالی که به‌منظور همکاری فنی از سوی کشورهای پیشرفته صنعتی به چین سرازیر شده از ۱۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۹ - پس از اجرای سیاست درهای باز - به ۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ رسید.^{۱۷} در سال ۱۹۸۹ ورود سرمایه خارجی و سرمایه‌گذاری به چین به ۹ میلیارد

11. negative

12. Positive or active commitments. UNCTAD, 2008, pp. 5-6 and 13.

۳۱. مثل تبادل اطلاعات در خصوص شرایط و وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری، حذف موانع غیررسمی سرمایه‌گذاری، تأسیس نهادهای ترویج سرمایه‌گذاری، یا اعطا مشوق به سرمایه‌گذاران خارجی. ر.ک:

UNCTAD (2008), Investment Promotion Provisions in International Investment Agreements, UNCTAD Series on International Investment Policies for Development, United Nations, New York and Geneva, 2008, UNCTAD/ITE/IIT/2007/7, p. 5.

14. UNCATD (2008), *op.cit.*, pp. 5-6.

15. Re-printed in (1985) 14 ILM, 550.

16. *Ibid*, pp. 552-557.

17. United Nations Center for Transnational Corporation (1973-1995), p. 276.

دلار کالای سرمایه‌ای، ۳/۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی و ۳۰۰ میلیون دلار کمک‌های خارجی برای همکاری فنی بالغ گردید.^{۱۸}

علاوه بر معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری، معاهدات دیگری هستند که هم از حیث تعداد طرفین معاهده و هم از جهت موضوع و هدف، از معاهدات نوع اول گسترده‌تر هستند. معاهداتی چون کنوانسیون اتحادیه اروپا^{۱۹} و موافقتنامه نفتا^{۲۰} (موافقتنامه امریکای شمالی در تجارت آزاد) از مصادیق چنین معاهداتی هستند. هدف اصلی این توافقات، انسجام یا یکپارچگی اقتصادی است که با تسهیل و تأمین آزادی در حمل و نقل و جریان یافتن کالا، خدمات، سرمایه، مهارت و اطلاعات صورت می‌گیرد.^{۲۱} ساز و کاری که این سنخ از معاهدات برای انسجام اقتصادی توصیه می‌کنند رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، محدود کردن مدیریت یا مداخلات دولتی در امور اقتصادی و به‌طور کلی، تأمین و تثبیت لیبرالیسم اقتصادی است که به نظر حامیان این گرایش موجب جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد رقابت میان واحدهای تجاری خارجی و داخلی، استخدام کارکنان محلی و در نهایت، انتقال غیرمستقیم فناوری می‌شود.^{۲۲}

18. UNCTAD (1992), UNCTAD VIII Analytical report by the UNCTAD Secretariat to the *Conference*, UN Pub. Doc. No TD/358, NY, 1992, table III, 1, p. 132.

19. The European Union

20. NAFTA: (North American Free Trade Agreement)

این موافقتنامه در سال ۱۹۹۱ میان سه کشور ایالات متحده، کانادا و مکزیک امضا شد. از اهداف اصلی این موافقتنامه، حذف موانع گمرکی، رفع محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در صنایعی چون خودروسازی، حمل و نقل، انرژی و مخابرات میان کشورهای امضاکننده است. هدف اساسی از حذف این محدودیت‌ها، ایجاد بازار مشترک و انسجام اقتصادی میان کشورها است. ر.ک:

Jerry M. Rosenberg, *The Essential Dictionary of International Trade*, Barnes & Noble Books, New York, 2004, pp. 298-301.

21. UNCTAD (2006), *op.cit.*, p. 3.

۲۲. غرض از انتقال غیرمستقیم این است که فعالیت تجاری بنگاه‌های خارجی در کشور میزبان موجب می‌شود که بنگاه‌های محلی با فناوری مورد بهره‌برداری سرمایه‌گذار خارجی آشنا شوند و فناوری مشابهی را تولید کنند. البته این نوع انتقال غیرمستقیم صرفاً در دراز مدت صورت می‌گیرد؛ زیرا مالک فناوری با توسل به حمایت‌های قانونی (مثل حق اختراع، مالکیت بر علائم تجاری) و قراردادی از استفاده غیرمجاز از آن جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، مالک فناوری زمانی حاضر به انتقال می‌شود که یا حق انحصاری‌اش نسبت به فناوری منقضی شده و یا فناوری جدیدی را جایگزین آن کرده باشد. برای توضیح بیشتر در این خصوص ر.ک: عامری، فیصل، «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نقش آن در انتقال فناوری به کشورهای رشد یابنده»، *مجله پژوهش حقوقی و سیاست*، شماره ۵، سال سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۳۹-۶۵.

عین این گرایش و سیاست که لیبرالیسم اقتصادی و تضعیف حاکمیت ملی کشورها (به تاسی و پیروی از اصول سازمان جهانی تجارت) را تنها راه توسعه صنعتی و اقتصادی می‌داند، می‌توان در معاهده منشور انرژی دید. هدف اساسی این منشور، ایجاد نظامی حقوقی در سطح بین‌المللی است که براساس آن، آزادی تجارت در انرژی - از طریق کاهش و در دراز مدت حذف نظارت و مداخله دولتی - تأمین می‌شود. تأمین این هدف در ۵ بخش صورت می‌پذیرد: (۱) حمایت و ترویج سرمایه‌گذاری خارجی در انرژی با عنایت به اجرای اصول عدم تبعیض، رفتار ملی و شرط دولت کامله‌الوداد؛ (۲) تأمین تجارت آزاد در مواد، تولیدات و تجهیزات مرتبط با انرژی طبق اصول و مقررات سازمان جهانی

معاهدات ناظر بر همکاری‌های دولتی و ... ❖ ۱۷۵

۲-۲. همکاری‌های مستقیم و فعال

برخلاف همکاری از نوع قبلی، این سنخ از همکاری، تأثیر مستقیم بر انتقال فناوری دارد. این تأثیر، مستقیم است، زیرا هدف اصلی این توافقنامه‌ها تسهیل، ترویج و رونق انتقال و مبادله فناوری بین کشورهای امضاکننده موافقتنامه است. در واقع، این نوع موافقتنامه‌ها زمینه را برای انعقاد قراردادهای و ترتیبات خاص‌تری چون قراردادهای تجاری انتقال فناوری (مثل قراردادهای لیسانس و مشارکت‌های قراردادی و غیرقراردادی)، برگزاری و راه‌اندازی برنامه و پروژه‌های همکاری‌های فنی و تهیه و تدارک اطلاعات فناوری فراهم می‌سازد.^{۳۳} بسته به وسعت و هدف کشورهای متعاقد، این نوع همکاری‌ها می‌توانند دوجانبه، چندجانبه و یا بین‌المللی باشند. موارد زیر از مصادیق این نوع همکاری هستند:

الف) موافقتنامه‌های دوجانبه

صرف‌نظر از تفاوت‌های شکلی، تقریباً تمام موافقتنامه‌های مربوط به همکاری‌های فنی در یک یا چند مورد از موارد زیر، که با تنظیم قراردادهایی جداگانه تحت راهنمایی کمیته یا کمیسیون مشترک صورت می‌گیرد، با هم مشترکند:

۱. انجام یا مبادله مساعدت‌های فناوری از طریق ترتیب دادن برنامه‌های آموزشی، مبادله کارشناس و مشاور، ارائه خدمات مشاورتی، تهیه و تدارک تسهیلات مورد نیاز، امکان‌سنجی (بررسی و مطالعه امکان

تجارت؛ ۳) تأمین آزادی نقل و انتقال انرژی از طریق تعبیه خطوط لوله؛ ۴) کاهش آثار منفی زیست محیطی ناشی از اکتشاف، تولید، حمل و نقل و مصرف مواد انرژی‌زا و ۵) ایجاد ساز و کار حل و فصل اختلافات بین دولت‌ها از یک‌سو و دولت و سرمایه‌گذار از سوی دیگر. منشور، داد و ستد و یا به‌طور کلی، «فعالیت اقتصادی» را به‌عنوان تفحص، اکتشاف و استخراج منابعی چون نفت، گاز، زغال سنگ و اورانیوم، تأسیس و راه‌اندازی تسهیلات تولید نیرو چون باد و سایر منابع انرژی‌زای تجدیدشدنی، حمل و نقل زمینی، توزیع و ذخیره و تهیه مواد و محصولات انرژی‌تعیین کرده است (بند ۵ ماده ۱ منشور). حاکمیت ملی کشورها بر منابع ملی در ماده ۱۸ منشور مورد شناسایی قرار گرفته است. با این حال، ماده مزبور اعمال این حاکمیت را براساس قوانین و مقررات بین‌المللی دانسته، در این خصوص تأکید می‌کند که این مهم نباید مانع ترویج دسترسی به منابع انرژی‌زا، اکتشاف و توسعه آن‌ها بر اساس اصول تجاری شود (بند ۲ ماده ۱۸). ویژگی این ماده، در بند ۳ آن تجلی یافته است. در این بند، مصادیق حاکمیت و اعمال آن پیش‌بینی شده‌اند. براساس این بند، کلیه کشورها همانند گذشته حق تصمیم‌گیری در تعیین منطقه مورد اکتشاف و توسعه منابع انرژی‌زا، بهینه‌سازی بهره‌برداری، مالیات، شیوه‌های پرداخت و وضع قوانین و مقررات مربوط به حفاظت از محیط زیست و ایمنی و نیز تعیین نوع مشارکت در عملیات را دارند. براساس بند ۴ این ماده و مواد ۱، ۱۰ و ۱۳ این منشور، اعمال این حق باید در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذار خارجی و آزادسازی تدریجی تجارت بین‌المللی با عنایت به اصول و مقررات سازمان جهانی تجارت انجام گیرد. برای مطالعه منشور و پروتکل آن ر.ک:

Energy Charter Secretariat, *The Energy Charter Treaty and Related Documents: A Legal Framework International Energy Cooperation*, Energy Charter Secretariat, Brussels, 2004.

این معاهده به‌همراه پروتکلی در آوریل ۱۹۹۸ به مرحله اجرا در آمد. تا سپتامبر سال ۲۰۰۹ علاوه بر اتحادیه اروپا ۵۱ کشور این معاهده را امضا کرده‌اند. این منشور دارای ۲۳ کشور ناظر است که جمهوری اسلامی ایران نیز جز آن‌ها است. برای آگاهی بیشتر در این خصوص ر.ک:

www.encharter.org.

23. Zaleski & Wienert, *Technology Transfer between East and west*, Paris, OECD, 1980, p. 96.

- عملی بودن طرح) و تحقیق و اجرای پروژه‌های متفاوت.^{۲۴} براساس تحقیقی که توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^{۲۵} صورت گرفته «اکثر این همکاری‌های فنی - که به مساعدت توسعه موسومند - در بخش‌های کشاورزی، مهندسی زیرساختاری یا مدنی (مثلاً در ارتباطات و مخابرات) و صنایع مهمی چون نساجی و فعالیت‌های معدنی که برای کشورهای در حال توسعه اهمیت حیاتی دارد انجام شده‌اند.^{۲۶}
۲. تأسیس مراکز مشترک علمی و فناوری یا اجرای پروژه‌های مشترک برای بالا بردن قابلیت‌های علمی و فناوری کشورهای در حال توسعه.^{۲۷}
۳. مساعدت در یافتن و ترویج مشارکت تجاری میان بنگاه‌های اقتصادی کشورهای طرف معاهده.^{۲۸}
۴. تأسیس صناعی چون فولادسازی و نیرو از طریق توافقنامه‌های همکاری صنعتی.^{۲۹}

ب) موافقتنامه‌های چندجانبه و منطقه‌ای

از مصادیق این سنخ از همکاری‌ها، «کنوانسیون چهارم لومه اتحادیه اروپا، کشورهای در حال توسعه آسیایی، کارائیب و اقیانوس آرام» است.^{۳۰} هدف از این کنوانسیون، کمک به کشورهای در حال توسعه عضو این کنوانسیون در جهت توسعه ظرفیت علمی و فناوری است، مانند توافقنامه‌های دوجانبه. در این کنوانسیون به اتحادیه اروپا توصیه شده که زیر نظر نهاد مشترکی (کانون توسعه صنعتی)^{۳۱} کشورهای در حال توسعه عضو را در موارد زیر یاری دهد:

- طرح و اجرای برنامه‌های تحقیق و توسعه؛
- شناسایی و ایجاد فرصت‌های لازم برای همکاری بین مؤسسات و بنگاه‌های پژوهشی کشورهای عضو

24. OECD, *op.cit.*, p. 158.

25. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD).

26. OECD, *op.cit.*, pp. 158-59.

۲۲. براساس یکی از گزارش‌های سالیانه رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا به کنگره این کشور تا سال ۱۹۸۶ کشور مزبور با بیش از ۷۶ کشور در حال توسعه از این نوع معاهدات دوجانبه منعقد کرده بود. ر.ک:

Faysal Ameri, *The International Legal Regime for the Transfer of Technology to Developing Countries with Special Reference to Deep Seabed Mining*, unpublished Ph.D. thesis, Law Department, University of Manchester, 1994, p. 458.

۸۲. از جمله این نوع از توافق‌نامه‌ها، موافقتنامه همکاری اقتصادی فنی میان نیجریه و فرانسه است که در سال ۱۹۷۹ منعقد شد. OECD, *op. cit.*, pp. 158-59.

۹۲. ر.ک:

S. Mehrotra, *India and the Soviet Union: Trade and Technology Transfer*, Cambridge University Press, Cambridge, 1990, pp. 78-137.

30. The Fourth ACPEC Convention of Lomé, reproduced in (March-April 1990) 120 the Courier.

۱۳. این کانون در سال ۱۹۷۷ تشکیل شد: The Centre for the Development of Industry (CDI)

و غیرعضو کنوانسیون؛

- شناسایی، ارزیابی و تحصیل فناوری صنعتی (از جمله تحصیل فناوری از اتباع کشورهای عضو اتحادیه اروپا با شرایط مساعد تجاری)، گواهی‌های اختراع و سایر مالکیت‌های صنعتی از بنگاه‌های اروپایی با شرایط مساعد؛

- ارائه خدمات مشورتی درخصوص اطلاعات مربوط به شروط مربوط به قراردادهای انتقال فناوری، انواع و منابع فناوری؛ و

- ایجاد تسهیلات و کمک به دسترسی و استفاده از اسناد و منابع اطلاعاتی مورد نیاز در اتحادیه اروپا.

۲-۱-۲. آثار و پیامدها

اگر همان‌گونه که مطرح شد، یکی از جنبه‌های اصلی همکاری فناوری بین‌الدولی، تسهیل و نه ایجاد فرایند انتقال فناوری باشد، در این صورت نمی‌توان گفت که این نوع همکاری نقشی کلیدی در انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه دارد، بلکه تنها نقش مهمی که در این خصوص می‌تواند داشته باشد آن است که می‌توان آن را از عواملی که بنگاه اقتصادی در فرایند تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری یا انتقال فناوری لحاظ می‌کند» به شمار آورد.^{۳۲} اهمیت دیگری که این‌گونه همکاری‌ها دارند نقشی است که در فراهم کردن زمینه‌های لازم برای ایجاد شرکت‌های تجاری (اعم از قراردادی و غیرقراردادی) بین بنگاه‌های تجاری کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته ایفا می‌کنند. نقش مثبت دیگری که این نوع همکاری می‌تواند ایفا کنند ارتقای ظرفیت‌های علمی و فنی پرسنل کشورهای در حال توسعه از طریق ایجاد امکان برای تدارک و برگزاری برنامه‌های آموزشی و تأسیس مراکز تحقیق و توسعه است. نمونه‌هایی از این همکاری‌ها به شرح زیر هستند:

الف) موارد و مصادیق انتقال

براساس گزارش ۱۹۸۰ آنکتاد در نتیجه برگزاری و انجام برنامه‌های همکاری‌های صنعتی میان آلمان و تعدادی از کشورهای امریکای لاتین (مثل برزیل، مکزیک و کشورهای امریکای مرکزی) ۱۵ توافقنامه تجارتي بین بنگاه‌های آلمانی (بیشتر شرکت‌های کوچک و متوسط) و شرکت‌های تابع کشورهای امریکای لاتین منعقد شد که ده عدد از این توافقنامه‌ها از نوع مشارکت‌های غیرقراردادی^{۳۳} با اکثریت سهام محلی کشور در حال توسعه میزبان و پنج عدد آن‌ها قراردادهای لیسانس بودند. علاوه بر این، در اثر کمک مؤسسات دولتی آلمان و دانمارک، شرکت‌های کوچک این کشورها توانستند مشارکت‌هایی تجاری در برزیل

32. OECD, *op.cit.*, 162.

33. equity joint venture

با شرکت‌های محلی این کشورها تأسیس کنند.^{۳۴}

همچنین در اثر کمک و ارشاد کانون توسعه صنعتی اتحادیه اروپا حدود ۸۵ مشارکت تجاری در کشورهای در حال توسعه عضو این کنوانسیون صورت گرفت. این امر منجر به ورود ۱۵۰ میلیون یورو، ایجاد ۳۴۰۰ کار و انتقال دانش فنی در بخش مدیریت و فناوری در صنایع کنترل برق، دباغی چرم، دگمه‌سازی و پرورش و تولید عسل گردید.^{۳۵} در تمام این مشارکت‌ها برنامه‌های آموزشی برای کارکنان کشورهای در حال توسعه راه‌اندازی شدند.^{۳۶}

تأسیس مراکز علمی و فنی به منظور بالا بردن قابلیت‌های پژوهشی و مهارت‌های فنی اتباع کشورهای در حال توسعه، واقعیت دیگری است که نقش همکاری‌های فنی دولتی را بیان می‌کند. موافقتنامه همکاری علمی و فناوری سال ۱۹۸۵ بین ایالات متحده و هند یکی از این موارد است. در اثر این موافقتنامه حدود ۱۵۰ پروژه تحقیقاتی برگزار شد. در این پروژه‌ها به بومیان هندی آموزش داده شد و آن‌ها را در بخش‌های کشاورزی، بهداشتی، پیش‌بینی باد موسمی و مهندسی استخدام کردند.^{۳۷}

از مصادیق دیگر می‌توان از طرح و اجرای ۱۶۰۰ برنامه علمی و فنی نام برد که بین کانادا و ۱۱ کشور دیگر در سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۳ به عمل آمد که ۶ کشور از گروه کشورهای در حال توسعه بودند. یکی از هدف‌های این پروژه‌ها ارتقای ظرفیت‌های پژوهشی کشورهای در حال توسعه از طریق برگزاری برنامه‌های آموزشی بود. براساس گزارش آنکتاب حدود ۲۸۰ میلیون دلار برای این کار اختصاص داده شده بود. در مجموع، مبلغی که به این منظور توسط کشورهای پیشرفته اختصاص داده شد به ۱۲/۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۹ رسید.^{۳۸}

از میان این نوع عهدنامه‌ها، شاید توافقنامه‌های همکاری فنی اقتصادی میان ایران و شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی را بتوان از زمره ابزارهای دولتی شمرد که تأثیر مستقیم بر انتقال فناوری دارند، هدف از این توافق‌نامه‌ها اعتلا و رونق سطح صنعتی ایران بود. برای مثال، به‌منظور انتقال و آموزش فناوری استخراج و ذوب فلزات، موافقتنامه‌ای درخصوص صنعت ذوب آهن میان این دو کشور منعقد شد که در

34. UNCTAD, *Organizational forms of transfer of technology to developing countries by small and medium sized enterprises: a case study of equity joint ventures and technology transfer agreements in Latin America*, UNCTAD doc., TD/B/C.6/77, (18 May 1982), paras. 92, 115.

35. E. Hinzen and D. Peavoy, "Joint venture investment in ACP countries – CDI's functions and experience", (March-April 1987) *102 The Courier*, 86-89.

36. *Ibid.*

37. Faysal Ameri, *op.cit.*, p. 144.

38. *Ibid.*

اجرای آن، کارخانه ذوب آهن اصفهان نصب و راه‌اندازی گردید.^{۳۹}

با توجه به موارد یاد شده بالا می‌توان نقش همکاری‌های دولتی را به صورت زیر خلاصه کرد:

- ایجاد فضای مساعد برای ورود سرمایه و فناوری خارجی،

- مساعدت در تشکیل و تأسیس مشارکت‌های تجاری،

- تأسیس مراکز علمی و فنی برای فعالیتهای پژوهشی و برگزاری برنامه‌های آموزشی برای پرسنل

کشورهای در حال توسعه،

- نصب و راه‌اندازی صنایع معدنی و تولیدی و آموزش کارکنان محلی کشور میزبان.

ب) محدودیت‌های انتقال

علی‌رغم نتایج مثبت فوق‌الذکر، همکاری‌های بین‌دولت‌ها به دلیل محدودیت‌هایی که ذیلاً به آن‌ها اشاره خواهد شد در بسیاری از موارد، نه‌تنها منجر به انتقال فناوری نشده‌اند، بلکه نتایج منفی برای کشورهای سرمایه‌پذیر نیز به بار آورده‌اند. در بسیاری از اوقات، تدوین و امضای موافقتنامه‌های همکاری‌های فنی و اقتصادی فقط ارزش سیاسی داشتند و هیچ‌گاه به مرحله اجرا نرسیده‌اند تا اثر انتقال فناوری را همراه داشته باشند. دلایل این محدودیت را سازمان همکاری اقتصادی و توسعه چنین توضیح می‌دهد:

۱. در برخی موارد، توافق‌هایی که بین دولت‌ها صورت می‌گیرد از هرگونه محتوای اساسی عاری هستند و بیش‌تر به‌عنوان ابزاری برای تعبیر سیاسی دولت‌ها مثل شناسایی یک دولت به کار برده می‌شوند.

۲. دولت‌ها ممکن است توافق‌نامه‌ها و معاهدات متفاوت و متنوعی را منعقد کنند، بدون این‌که به مفاهیم و اصطلاحات مندرج در آن‌ها دقت و توجه کافی داشته باشند. به عبارت دیگر، شکل موافقتنامه‌ها همیشه بیانگر محتوا و مضمون آن‌ها نیست.

علاوه بر این، سنخ خاصی از این معاهدات، به‌ویژه معاهدات دوجانبه و چندجانبه سرمایه‌گذاری خارجی، همیشه منجر به انتقال فناوری، ولو به شکل محدود، نمی‌شوند. در واقع، برخلاف ادعایی که درخصوص نقش این موافقتنامه‌ها در جذب سرمایه و فناوری می‌شود، تاکنون رابطه علی و معلولی در این خصوص

۹۳. علاوه بر این موافقتنامه، موافقتنامه‌های دیگری میان این دو کشور برای احداث شاه لوله گاز و تأسیس کارخانه ماشین‌سازی منعقد شد. براساس این موافقتنامه‌ها شوروی علاوه بر تهیه و تدارک تجهیزات، متعهد شده بود که اعتبارات لازم را برای ایران فراهم سازد. برای توضیح بیش‌تر در این خصوص و نیز موافقتنامه‌های مشابهی که میان ایران و کشورهای رومانی، چکسلواکی، مجارستان، لهستان، بلغارستان و آلمان شرقی سابق بسته شد، ر.ک: اصغرزاده، عبدالله، *آشنایی با تجارت متقابل*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، اردیبهشت ۱۳۷۴، ص ۱۰۵-۱۱۲؛ و نیز:

V. Ivaneko, "Twenty Years of Soviet, Iranian Economic and Technical Cooperation", (1984)1, (Russian Text), *Vneshnia Forgoulia*, translated by Michel Vale, pp. 24-27; Encyclopædia Iranica, "Russia ii. Iranian-Soviet Relations (1917-1991)", <http://www.iranica.com/articles/russia-ii-iranian-soviet-relations-1917-1991>.

ثابت نگردیده و بنا به تحقیقاتی که در این باره به عمل آمده، عواملی چون ثبات سیاسی و اقتصادی؛ قوانین و مقررات داخلی کشور میزبان، عوامل اقتصادی مثل ظرفیت بازار داخلی کشور سرمایه‌پذیر و هزینه‌های مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری (از قبیل مواد اولیه، سرمایه‌های مالی و واسطه‌ای و نیروی کار)، و نیز دسترسی به منابع طبیعی، به‌عنوان عامل مشوق، نقش بیش‌تری در جذب سرمایه و فناوری داشته‌اند.^{۴۰}

به عبارتی دیگر، برای تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذار نخست عوامل یاد شده بالا را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس به معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی، به‌عنوان یکی از عواملی که ممکن است تأثیرگذار باشد، نظر می‌افکند.

دو عامل دیگر، یعنی عامل «مشروط کردن» و عامل «نامناسب بودن» همکاری یا کمک‌های مالی در انتقال فناوری نقش اساسی ایفا می‌کنند:

۱. مشروط کردن کمک‌های مالی^{۴۱}

غرض از مشروط کردن یا به عبارت دیگر کمک‌های مشروط، کمک‌های مالی است که یک کشور (معمولاً یک کشور در حال توسعه) از نهادی بین‌المللی (مثل بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول) یا کشوری دیگر، در ازای شروطنی که کشور یا نهاد کمک‌دهنده تعیین می‌دارد، دریافت می‌کند. اگرچه هدف اساسی این کمک‌ها در بسیاری از موارد تأسیس و راه‌اندازی مؤسسات و فعالیت‌های پژوهشی برای اعتلای صنعت ملی است، ولی شروطنی که برای اعطای چنین کمک‌هایی تحمیل می‌شوند، عملاً مانع رسیدن به چنین هدفی می‌گردند.

از مصادیق این شروط، تعهد کمک‌گیرنده به خرید لوازم، ابزار، ماشین‌آلات و تجهیزات از کشور کمک‌دهنده یا کشور ثالثی است که نهاد بین‌المللی اخیرالذکر معین می‌کند.^{۴۲} از جمله کشورهایی که به تحمیل چنین شروطنی مبادرت ورزیدند می‌توان از کانادا، ایتالیا، یونان و ایالات متحده نام برد. به‌طور مثال، فقط در سال ۲۰۰۷ کانادا بیش از ۲۵ درصد از کمک‌های خود را مشروط به خرید کالا از خود کرد. ایتالیا

40. UNCTAD (2009), *op.cit.*, pp. XI-XIII.

41. tied aid

۲۴. در این خصوص به سه نوع کمک مشروط اشاره شده است: کمک مشروط رسمی (formally tied aid)، کمک مشروط نیمه رسمی (partially tied aid) و کمک غیررسمی (informally tied aid). براساس نوع اول، کمک‌گیرنده ملزم است کالا یا تجهیزات را صرفاً از کشور متبوع کمک‌دهنده خریداری کند. نوع دوم کمک‌گیرنده را ملزم می‌کند که کالاها را از کشور یا منطقه اقتصادی خاصی (مثل اتحادیه اروپا) تهیه کند. در نوع سوم، اگرچه رسماً یا براساس قرارداد چنین الزام صریحی وجود ندارد، ولی عملاً کشور کمک‌گیرنده ناچار است از منابع یا کشورهایی که کشور یا نهاد کمک‌دهنده به‌طور غیررسمی مشخص می‌کند، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را تهیه کند. برای توضیح بیش‌تر در این خصوص ر.ک:

Ammamaria La Chimia and Sue Arrowsmith, "Addressing Tied Aid: Towards a More Development-Oriented WTO?", (September 2009) 12, 3 *Journal of International Economic Law*, p. 710.

۳۲/۲ درصد، یونان ۴۷/۴ درصد و ایالات متحده ۳۱/۵ درصد از کمک‌های خود به کشورهای در حال توسعه را مشروط به خرید کالا از خود کردند.^{۴۳} علت این سیاست را که نوعی حمایت از صنایع ملی است ایجاد بازده اقتصادی برای بنگاه‌های محلی کشور کمک کننده عنوان کرده‌اند. با وجود این، بسیاری از اقتصاددانان معتقدند ملزم کردن کشورهای کمک گیرنده به خرید تجهیزات که مورد نیاز صنعتی آن‌ها نیست نه تنها فرصت‌ها و برنامه‌های صنعتی آن‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه تجارت میان این کشورها را بسیار محدود می‌سازد، افزون بر این، خرید اجباری، هدف اساسی کمک را که توسعه صنعتی است تضعیف و متزلزل می‌سازد. زیرا خرید اجباری نه تنها موجب می‌شود که کمک گیرنده هزینه‌های گزافی را بابت کالاهای تحمیلی بپردازد، بلکه باعث می‌گردد که خریدهای اجباری مغایر با نیازهای صنعتی آن کشور شوند و صرفاً در راستای خدمت به منافع تجاری کشورهای کمک‌دهنده باشند.^{۴۴}

برخی معتقدند که چنین کمک‌هایی بیش تر برای ایجاد وابستگی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی صورت می‌گیرند. «معمولاً دولت‌های کمک‌دهنده با توجه به سیاست‌ها و اهداف خود اقدام به کمک می‌کنند و در این راستا انتخاب میان حمایت از کمک‌های برنامه‌ای و یا کمک‌های پروژه‌ای، بستگی کامل به سیاست‌ها و اهداف دولت کمک‌دهنده دارد. به عنوان مثال، در سیاست خارجی امریکا که گسترش و استمرار نفوذ با ایجاد دولت‌های وابسته و همچنین ایجاد وابستگی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی به طور کلی مهم است، این دولت کمک‌های برنامه‌ای را ترجیح می‌دهد، زیرا از این طریق بهتر می‌تواند به اهداف خود دسترسی یابد».^{۴۵}

۲. نامناسب بودن کمک‌های مالی

از آن جا که ذخیره‌های مالی بسیاری از کشورهای در حال توسعه، ظرفیت سرمایه‌گذاری صنعتی مورد نیاز را پوشش نمی‌دهد، یکی از اهداف کمک مالی، افزایش چنین ذخیره‌هایی است که عمدتاً به منظور طرح و اجرای برنامه‌های توسعه و در نهایت رشد اقتصادی صورت می‌گیرند.^{۴۶} از دیگر هدف‌های این نوع کمک‌ها

43. *Ibid.*

44. *Ibid.*, p. 711.

برخی صاحب‌نظران پا را از این فراتر می‌گذارند و معتقدند که تحمیل چنین خریدهایی آثار منفی اقتصادی برای کشورهای کمک‌کننده به بار خواهد آورد؛ زیرا این خریدهای اجباری، تخصیص منابع را منحرف می‌سازد و تنها به سود گروه خاصی خواهد بود. در این خصوص ر.ک:

A. La Chimia *et al*, *op.cit.*, p. 711; Nicola Baird, "Tied to the Hand that Feeds", (1996) 2051, *New Scientist*, p. 13.

۵۴. الهی، همایون، کمک خارجی و توسعه نیافتگی، نشر تومس، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲.

46. S.D. Sharms, *Achieving Economic Development in the Era of Globalization*, Routledge, Taylor and Francis Group, London and New York, 2008, pp.104-105.

خارج ساختن کشورهای فقیر جهان سوم از فقر مطلق (یا به تعبیر دیگر «تله فقر») است.^{۴۷} علی‌رغم نقش مثبتی که این کمک‌ها می‌توانند در کاهش فقر - اگر نه زدودن آن - ایفا کنند از دو جنبه مورد انتقاد قرار گرفته‌اند: یکی از انتقادات، بیش‌تر سیاست‌ها و یا شروط نهادهای مالی مثل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که اعطای کمک را مشروط به اجرای برنامه‌های «تعدیل ساختاری» ساخته‌اند هدف قرار داده است. از نظر این دیدگاه، این کمک‌ها و برنامه‌های تحمیلی تعدیل ساختاری نه تنها کمکی به رشد اقتصادی کشورهای کمک‌گیرنده نکرده، بلکه موجب وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی این کشورها شده است.^{۴۸}

انتقاد دیگر، اثربخشی مثبت کمک‌های مالی را به‌طور کل منکر می‌شود و تنها راه توسعه و رشد اقتصادی را اجرای برنامه‌هایی می‌داند که منجر به تقویت و رشد واحدهای تولیدی و تجاری خصوصی کشورهای نیازمند می‌گردد. از پیش‌کسوتان این نظریه ایسترلی است^{۴۹} که برای اثبات بی‌ثمر بودن کمک‌های مالی چند دلیل می‌آورد: اولاً کمک‌های مالی لزوماً و حتماً به رشد اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی مردم نمی‌انجامد، زیرا به نظر وی، علی‌رغم این‌که کشورهای غنی در خلال ۴۰ سال گذشته بیش از ۵۶۸ میلیارد دلار به کشورهای آفریقایی کمک کرده‌اند نشانه یا اثری که حاکی از رشد اقتصادی این کشورها باشد وجود ندارد. ثانیاً توسعه نیافتگی همواره معلول فقر مطلق یا در «تله فقر» بودن نیست، زیرا بسیاری از کشورهای در حال توسعه - و حتی کشورهای بسیار فقیر آفریقایی - دچار چنین فقر مطلق که بعضی از صاحب‌نظران ادعا می‌کنند، نیستند. ثالثاً بسیاری از کشورهای در حال توسعه بدون نیاز به کمک‌های مالی خارجی رشد

۷۴. این هدف ناظر به کشورها و بومیان مناطقی چون آفریقای زیر صحرا (Sub-Saharan Africa) است که از نظر منابع طبیعی و مالی در فقر مطلق به سر می‌برند. هدف اساسی این کمک‌ها این است که با ریشه‌کن‌سازی چنین فقری، زمینه لازم را از نظر ساختار اجتماعی برای رشد اقتصادی این مناطق و کشورها فراهم سازند. این دیدگاه رسیدن به چنین هدفی را از طریق پرکردن شکافی می‌داند که میان ظرفیت مالی ملی و هزینه‌های مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های متفاوت صنعتی و غیر صنعتی وجود دارد.

S. D. Sharma, *op.cit.*, 105.

برای توضیح بیشتر تر.ر.ک:

Paul Rosenstein-Rodan, (1961) 42,2 "International Aid for Underdeveloped Countries", *Review of Economics and Statistics*: Walt Rostow, *The Stages of Economic Growth: A Noncommunist Manifesto*, (3rd ed. 1990), London, Cambridge University Press, 1960.

48. S.D. Sharma, *op.cit.*, p. 106.

راه‌حلی که این دیدگاه در این خصوص پیشنهاد می‌کند دو برابر کردن کمک‌های مالی و صرف کردن آن‌ها در برنامه‌های توسعه‌ای تحت نظارت و مدیریت سازمان ملل، کشورهای کمک‌کننده و نهادهای مالی بین‌المللی است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک:

Jeffrey Sachs, *The End of Poverty: Economic Possibilities for Our Time*, New York, Penguin, 2006.

۹۴. ر.ک:

William Easterly, *The Elusive Quest for Growth: Economists' Adventures and Misadventures in the Tropics*, Cambridge, MA, MIT Press, 2001.

معاهدات ناظر بر همکاری‌های دولتی و ... ❖ ۱۸۳

اقتصادی داشته‌اند. این بدین معنا است که توسعه اقتصادی، نه از طریق کمک‌های مالی، بلکه با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر کارآفرینان و شهروندان محلی صورت می‌گیرد.^{۵۰}

بدیهی است هرکدام از این دیدگاه‌های انتقادی تنها جنبه‌های خاصی از واقعیات را در نظر می‌گیرند و بنابراین، نمی‌توان به‌طور کل آن‌ها را مردود شمرد؛ زیرا موضوع کمک مالی و امکان ایجاد رابطه علی و معلولی میان آن و توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی بسیار مشکل است. لذا تنها نتیجه‌ای که در این خصوص می‌توان به آن رسید این است که در توسعه و رشد اقتصادی، عوامل متعددی دخالت دارند که به‌سختی می‌توان نقش هر یک از آن‌ها را دقیقاً مشخص کرد.^{۵۱}

برخی دیگر، با عنایت به چنین معضلاتی، نقش عامل روبنایی و بخصوص مدیریت دولتی و یا به‌زعم آن‌ها عنصر «حکمرانی» را در رشد اقتصادی مطرح می‌کنند و معتقدند که تنها «حکمرانی مطلوب» می‌تواند نقش لازم را در به ثمر رساندن برنامه‌های عمرانی و صنعتی ایفا کند.

این را می‌توان در تلاش‌ها و منابعی که کشورهای طرف موافقتنامه برای انجام تعهدات قراردادی صرف می‌کنند و نیز قابلیت‌هایی که یک کشور پذیرنده برای دریافت، اجرا، جذب و اشاعه فناوری دارد، مشاهده کرد. در این خصوص گروهی پژوهشگر موافقتنامه‌های فنی و اقتصادی را که میان ایالات متحده و تعدادی از کشورهای در حال توسعه منعقد شده بود بررسی و علت عدم انتقال فناوری را عدم استفاده از منابع مالی - که به‌منظور انتقال از سوی کشور وام‌دهنده داده شده بود - در فعالیتهای تحقیق و توسعه دانستند:

«در جاهایی که منابع مالی اساساً برای علم و فناوری اختصاص داده شده بود این منابع در هدف‌ها و منظورهای دیگری به‌کار برده شد (مثلاً درخصوص مصر منابع مالی را که برای انتقال فناوری اختصاص داده شده بودند وقف هدف‌های دیگری چون موازنه پرداخت صرف کردند). برعکس، در جاهایی که انگیزه و ابتکارات فردی وجود داشته و منابع عمومی به نحو شایسته برای مقاصد تحقیق و توسعه و انتقال به‌کار رفته بود انتقال به نحو شایسته صورت گرفت. این مورد موفقیت‌آمیز درخصوص موافقتنامه‌های بین فرانسه، سوئد و یوگسلاوی صورت گرفت.^{۵۲} با وجود این، عده‌ای با این نظر موافق نیستند و بر این باورند که علی‌رغم

50. S.D. Sharma, *op.cit.*, 108-109.

۱۵. برخی از صاحب‌نظران با طرح موضوع «توسعه» فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و به‌کارگیری روش‌های گوناگون برای انتقال توسعه، جذب و اشاعه آن را در کشور سرمایه‌پذیر توصیه می‌کنند. ر.ک: عامری، فیصل، «حق توسعه و ضرورت بازنگری در آن»، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی بررسی حقوق بین‌الملل بشر (تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۸۱)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹-۱۷؛ عظیمی، حسین، *ایران امروز در آینه مباحث توسعه: برای حل بحران‌های کوتاه و بلند مدت اقتصادی کشور چه می‌توان کرد؟* دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸؛ سریع‌القلم، محمود، *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران*، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

52. Faysal Ameri, *op.cit.*, p. 145.

حکمرانی مطلوب و اجرای درست برنامه‌های عمرانی و صنعتی، بسیاری از کشورها به دلیل نداشتن منابع انسانی و کافی نبودن کمک‌های مالی نتوانستند برنامه‌های توسعه را با موفقیت اجرا کنند.^{۵۳}

دلیل دیگر محدودیت این‌گونه ترتیبات در انتقال فناوری این واقعیت است که کشور توسعه‌یافته تا حدودی حاضر است به توسعه فناوری کشور در حال توسعه کمک کند که این توسعه‌یافتگی به رقابت فناوری بین‌المللی و نیز امنیت ملی‌اش خدشه وارد نکند.^{۵۴} این‌گرایش را می‌توان در تدابیر و مقررات صادرات ایالات متحده مشاهده کرد. فناوری از این کشور زمانی صادر می‌شود که مغایر «منافع استراتژیک ایالات متحده» نباشد.^{۵۵} به عبارتی دیگر، صادرات فناوری زمانی صورت می‌گیرد که:

- مزیت رقابتی بنگاه‌های اقتصادی صادرکننده فناوری آن کشور را از بین نبرد؛

- اقتصاد محلی را با هدر دادن مواد اولیه کمیاب تضعیف نکند؛

- با ارتقای قابلیت فناوری کشور در حال توسعه در طرح، ساخت و استفاده از سخت‌افزارهای نظامی، امنیت ملی خود را به خطر نیندازد.

روی هم رفته، ایالات متحده به دلایل فوق‌الذکر، در عمل، از صادر کردن فناوری مدرن و پیشرفته خودداری کرده است. شاید به دلیل چنین محدودیت‌هایی است که کشورهایی در حال توسعه بیش‌تر موافقتنامه‌های بین‌المللی را ترجیح می‌دهند. این سنخ از موافقتنامه‌ها که موسوم به «همکاری‌های فنی و صنعتی» هستند در فصل اول پیش‌نویس کد رفتاری انتقال فناوری تظاهر یافته‌اند.^{۵۶}

ج) موافقتنامه‌های بین‌المللی

این نوع از همکاری‌های فناوری از طریق سازمان ملل و آژانس‌های وابسته به آن، نظیر شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، آنکتاد، یونسکو، وایپو، یونیدو، یونپ، سازمان بین‌المللی کار و سازمان بین‌المللی

53. A. L. Chimia et al, *op.cit.*, pp. 707-713.

۴۵. ر.ک:

J.H. Dunning, "Technology Exports and Technology Transfer Controls" in T.Sagafi-Nejad, R.W. Moxon, H. V. Perlutter (eds.), *Controlling International Technology Transfer: Issues, Perspectives, and Policy Implications*, Pergamon Press, Oxford, 1981, pp. 331-361.

۵۵. قانون صادرات ایالات متحده امریکا مصوب ۱۹۷۹. به نقل از:

M.Blakeney, *Legal Aspects of the Transfer of Technology to Developing Countries*, ESC Publishing Ltd., Oxford, 1989, pp. 182-183.

برای اطلاعات بیش‌تر ر.ک:

P. Bifani, "Intellectual Property Rights and International Trade", in UNCTAD, *Uruguay Round, Papers on selected issues*, doc. UNCTAD/ITP.10, NY, 1989, pp. 129-183.

56. UNCTAD, *Draft International Code on the Transfer of Technology*, TD/CODE TOT/47 (5 June 1985).

دریایی صورت می‌گیرد. هدف اساسی آن‌ها، به‌عنوان بخشی از برنامه مندرج در قطعنامه نظم نوین اقتصادی بین‌المللی،^{۵۷} تقویت ظرفیت‌های علمی و فناوری کشورهای در حال توسعه است.^{۵۸}

استفاده از کمک‌های مالی و فنی توسط کشورهای پیشرفته به‌عنوان ابزاری برای مداخله در امور داخلی کشورهای در حال توسعه موجب شد تا در سال ۱۹۴۹ مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را تصویب کند و براساس آن، مداخله در امور داخلی کشورها را تحت هر عنوان منع کند. طبق این قطعنامه:

۱. خدماتی که برای هر کشور انجام می‌شود باید توسط حکومت آن کشور تعیین شود و خدمت مورد نیاز توسط آن کشور تقاضا گردد.

۲. کمک‌های فنی به کشورها نباید به ابزار و وسیله‌ای برای مداخله سیاسی و اقتصادی در امور داخلی کشور تبدیل شود و نباید با ملاحظات سیاسی همراه باشد. این کمک‌ها صرفاً باید نیازهای کشور مربوط را تأمین کند.^{۵۹}

انواع متفاوتی از کمک‌های فنی وجود دارد که از ارائه خدمات مشاورتی در تمام سطوح گرفته تا اعطای بورس تحصیلی، تدارک و ارائه برنامه‌های آموزشی، تهیه وسایل و ابزار برای مقاصد آموزشی، تهیه اطلاعات فناوری و مساعدت‌های فنی و مالی درخصوص اجرای پروژه‌ها را می‌توان جزء کمک‌های فنی به شمار آورد. تقریباً تمام این نوع کمک‌های فنی در بخش و صنایعی چون موارد زیر انجام شده‌اند:

منابع طبیعی، غذا و محصولات کشاورزی، صنایع تولیدی، نقل و انتقال، مخابرات و فناوری جدید. از مصادیق مساعدت فنی سازمان ملل می‌توان به کمک‌هایی که در این زمینه برنامه توسعه سازمان ملل به عمل آورد اشاره کرد.^{۶۰} براساس گزارش ۱۹۹۲ سازمان ملل، هزینه‌هایی که این برنامه برای کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه متحمل شده ۹۳۶/۴ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ بوده که از این مبلغ حدود ۷۰۲/۱ میلیون دلار وقف فعالیت‌های مربوط به برنامه‌های میدانی، ۷۹/۹ میلیون دلار برای کمک‌های فنی نظیر اعزام کارشناس، و مابقی صرف برنامه‌های آموزشی و دیگر برنامه‌ها شده است. بر اثر این مساعدت‌ها در خلال سال ۱۹۸۷ حدود ۸۴۱۷ کارشناس بین‌المللی و ۴۸۷۸ متخصص ملی تربیت شد.^{۶۱} علاوه بر این، کمک‌های مزبور موجب شد که برنامه سازمان بتواند ۷۰ طرح و برنامه فنی را اجرا کند که از میان آن‌ها ۲۵ برنامه در کشورهای امریکای لاتین و دریای کارائیب، ۲۴ برنامه در کشورهای افریقایی و اقیانوس آرام، ۱۰

57. The New International Economic Order (NIEO).

58. The Director General for the Development and International Co-operation, *Towards the New International Economic Order*, UN Pub. NY, 1982, Sales No. E.82.II. A7, paras. 231-232.

59. ECOSOC Resolution 1949, 222 A(IX) reproduced in UN Dept. of Public Information, *Yearbook of the UN 1987*, (vol. 41) UN Pub., NY, 1992, pp. 401-404.

60. *Ibid.*, p. 398.

61. *Ibid.*, pp. 398-407.

برنامه در کشورهای عربی و ۳ برنامه در اروپا بود.^{۶۲} این مساعدت‌ها در بخش‌هایی چون تحقیقات کشاورزی، انتقال فناوری، بهداشت، آب و سیستم به‌سازی فاضلاب، توسعه انرژی، همکاری اقتصادی و جاری، توسعه شیلات، مدیریت و آموزش اجرا شدند.^{۶۳}

از کمک‌های دیگر سازمان ملل، پروژه‌های فنی است که بخش همکاری فنی این سازمان^{۶۴} متولی اجرای آن‌ها گردید. در این راستا، این نهاد حدود ۹۹۸ پروژه را اجرا کرد که در این راستا حدود ۱۳۶/۲ میلیون دلار هزینه گردید. این پروژه‌ها در امور مربوط به منابع طبیعی و برنامه‌ریزی‌های توسعه فناوری دریایی به مرحله اجرا رسیدند.^{۶۵}

از دیگر مصادیق مساعدت‌های سازمان ملل، کمک‌هایی است که نهاد آنکتاد برای کشورهای در حال توسعه انجام داد. براساس یکی از گزارش‌های سالیانه این نهاد، حدود ۱۱/۸ میلیون دلار کمک فنی توسط نهاد مزبور به کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است.^{۶۶} این کمک‌ها به اشکال مختلفی چون اعزام کارشناس و مشاور، آموزش و تهیه تجهیزات در کشتیرانی، ساخت، انتقال فناوری، همکاری‌های اقتصادی، بیمه و کمک‌های مالی صورت گرفتند.^{۶۷}

علاوه بر این‌ها، می‌توان به اقداماتی که آژانس‌های سازمان ملل در آموزش و نشر اطلاعات به‌منظور کمک به پرسنل کشورهای در حال توسعه کرده‌اند اشاره کرد. از جمله این اقدامات می‌توان نشر و توزیع رهنمودها، برگزاری سمینارها و تأسیس نهادهای خاص برای مسائل انتقال فناوری را نام برد. گزارش‌های سالیانه این آژانس‌ها حاکی است که هر سال بیش از ۳۰۰ گزارش و اثر تحقیقی درخصوص مسائل انتقال فناوری - بخصوص جنبه‌های حقوقی و اقتصادی آن - توسط آژانس‌هایی چون آنکتاد، کانون سازمان ملل مربوط به شرکت‌های فراملی،^{۶۸} یونیدو^{۶۹} و وایپو^{۷۰} انجام می‌شود.^{۷۱} علاوه بر این، می‌توان از تدابیر و

62. *Ibid.*

63. *Ibid.*

64. UN Department of Technical Co-operation for Development (DTCD).

65. Un Dept. of Public Information, *op.cit.*, p. 423.

66. UNCTAD, *Review of the Technical Assistance Activities of UNCTAD*, UNCTAD doc., TD/B/WP/58, 23 August 1988, para. 4.

67. *Ibid.*, paras. 6, 9.

68. UN Centre on Transnational Corporation (UNCTC).

69. United Nations Industrial Development Organization (UNIDO).

70. World Intellectual Property Organization (WIPO).

۱۷. ر.ک: اسناد زیر که توسط سازمان مزبور تهیه می‌شود:

UNCTC docs. ST/CTC/26 (1983), ST/CTC/35 (1983), ST/CTC/69 (1986), AND ST/CTC/53 (1986) titled: National Legislation and Regulations Relating to Transnational Corporations.

اقداماتی چون موارد آتی نام برد که آژانس‌های ویژه سازمان ملل برای کمک به کشورهای در حال توسعه انجام می‌دهند: تهیه نمونه و مدل‌های قانونی درخصوص حق اختراع و طرح‌های صنعتی، تهیه راهنما درباره شیوه مذاکره و تنظیم قراردادهای انتقال فناوری و مشارکت‌های تجاری و تأسیس مراکز اطلاعاتی منطقه‌ای درخصوص حق اختراع.^{۷۳}

علی‌رغم این، آثار فناوری این‌گونه کمک‌ها و همکاری‌ها زمانی می‌توانند مثبت باشند که کشور پذیرنده یا دریافت‌کننده زیرساخت فناوری لازم را برای دریافت و جذب فناوری داشته باشد و به علاوه در این خصوص در حد لازم تلاش کند. تجارب کشورهای در حال توسعه و تحقیقاتی که در این خصوص به عمل آمده گویای این واقعیت اسفناک است که بسیاری از این کشورها گام لازم را برای پیشبرد توسعه فناوری برنداشته‌اند. در این ارتباط کاری پژوهشی که توسط سازمان یونسکو برای اولین کنگره دانشمندان افریقایی در اواخر دهه ۸۰ قرن بیستم میلادی به عمل آمد به چنین نتیجه‌ای رسید. براساس این تحقیق از کمک‌های مالی که برنامه توسعه سازمان ملل^{۷۳} به‌منظور توسعه فناوری در مقطع زمانی ۷۰-۱۹۸۰ به ۳۶ کشور در حال توسعه کرد تنها ۱/۶ درصد وقف علم و فناوری توسط این کشورها گردید.^{۷۴} همین تحقیق، مساعدت مالی به ۴۴ کشور دیگر از افریقا را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که ۵ کشور هیچ مقدار از پولی را که بابت پیشبرد دانش و فناوری به‌عنوان کمک دریافت کرده بودند برای مقاصد توسعه دانش و فناوری خرج نکردند. ۲۰ کشور کم‌تر از ۱/۶ درصد و ۱۹ کشور دیگر ۱/۶ درصد از کمک را اختصاص به توسعه علم و فناوری داده بودند.^{۷۵} علاوه بر این، محدودیت‌ها و موانع زیر بر سر راه کشورهای در حال

درخصوص سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (United Nations Industrial Organization: UNIDO) رجوع کنید به نشریه زیر که جنبه‌های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی انتقال فناوری را بررسی می‌کند:

The Development and Transfer of Technology series, (UN Pub., NY).

در ارتباط با سازمان جهانی مالکیت فکری (World Intellectual Property Organization: WIPO) ر.ک: نشریه Industrial Property همچنین ر.ک:

UNCTAD, *Bibliography of Documents on Transfer and Development of Technology*, UNCTAD doc., TD/B/C.6/INF.2/Rev.4 (10 Dec.1984).

۲۷. ر.ک:

WIPO, *Model Law for Developing Countries on Inventions*, vol. I (1979), vol. II (1980).

UNIDO, *Guidelines for the Acquisition of Foreign Technology in Developing Countries with Special Reference to Technology Licensing Agreements.*, UN Sales No. E.73II.B.1(April 1973).

WIPO, *Industrial Property and Development*, WIPO, doc. CARIP/SEP/IP86/I (Jan. 1986), Chapter 1.

73. United Nations Development Programme (UNDP).

74. K.H. Standke, "International cooperation in science and technology: classical options and new opportunities for Africa", (1988)3,4 *Int. J. Technology Management*, 439, p. 453.

75. *Ibid.*

توسعه برای دریافت، جذب و پیشبرد فناوری وجود دارند:

- کمبود و محدودیت‌های منابع مالی برای اختصاص آن‌ها به علم و فناوری،
- عدم توانایی آموزش‌های علمی موجود در ارائه مهارت‌های اساسی توسعه به دانشجویان و نبودن محیط و فضای مناسب برای انتقال این مهارت‌ها،
- نبودن ارتباط مناسب بین فعالیت‌های تحقیق و توسعه، تولید ملی و آموزش رایگان،
- عدم بسیج کافی مردم به علم و فناوری.^{۷۶}

د) کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲)^{۷۷}

مقررات مربوط به انتقال فناوری در سه قسمت از این کنوانسیون پیش‌بینی شده‌اند: بخش ۱۴ کنوانسیون در خصوص فناوری دریایی، ماده ۱۴۴ کنوانسیون در مورد الزام دولت‌های عضو کنوانسیون به همکاری در انتقال فناوری استخراج منابع زیر بستر دریاها و ماده ۵ ضمیمه سوم کنوانسیون که بنگاه‌های اقتصادی علاقه‌مند را ملزم به کمک و همکاری در خصوص انتقال فناوری استخراج منابع زیر بستر دریاها به کارگزار قائم مقام بین‌المللی بستر دریاها و یا به واحدهای متقاضی تابع کشورهای عضو کنوانسیون برای مبادرت به عملیات استخراج می‌کند.

نظام حقوقی مندرج در بخش چهاردهم کنوانسیون

همانند توافقنامه‌های دو و چندجانبه، زبان مورد استفاده در کنوانسیون بسیار کلی و مجمل است و الزام مستقیم به انتقال فناوری را مقرر نمی‌کند؛ اما برعکس، انعقاد ترتیبات و توافقات مربوط به انتقال را توصیه و تسهیل می‌کند. بنابراین، همان‌گونه که رئیس کمیته سوم کنفرانس سوم سازمان ملل مربوط حقوق دریاها خاطر نشان کرد، کنوانسیون و الزام مستتر در آن، «غالباً به شکل اعلام برنامه‌های هدفمند است که به زبان

76. *Ibid.*, p. 455.

77. این کنوانسیون که حاصل بیش از ۱۴ سال، کار و تلاش ۱۵۰ کشور است، در آوریل ۱۹۸۲ تدوین و در نوامبر ۱۹۹۴، با تصویب آن توسط ۶۰ کشور لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون را به دلیل این که همه جوانب مربوط به حقوق دریاها را دربرمی‌گیرد، رئیس سومین کنفرانس حقوق دریا، تی بی کو (T.B. Koh) با نام «قانون اساسی جامع و فراگیر اقیانوس‌ها» توصیف کرد. این معاهده مشتمل بر ۳۲۰ ماده و ۹ ضمیمه است که کلیه امور مربوط به دریاها - از تحدید حدود و نظارت‌های زیست محیطی گرفته تا تحقیقات علمی، فعالیت‌های تجاری و اقتصادی و حل و فصل - را پیش‌بینی کرده است. مسائل مربوط به انتقال و توسعه فناوری، بخش‌های مهمی از این کنوانسیون را تشکیل می‌دهند که در بخش ۱۴، ماده ۱۴۴ و ضمیمه ۳ آن مقرر شده‌اند. ر.ک:

UN doc. (1983), The Law of the Sea, Official Text of the United Nations Convention on the Law of the Sea with Annexes and Index, Final Act of the Third United Nations Conference on the Law of the Sea, Introductory Material on the Convention and the Conference, UN, New York, 1983, Sales No. E.83.V.5.

توصیه نگارش شده است، زبانی که الزام را به تعهد به مذاکره و انعقاد قرارداد در آینده توصیف می‌کند.^{۷۸} بخش ۱۴ کنوانسیون تحت عنوان «توسعه و انتقال فناوری دریایی» مرکب از چهار جزء است که در تمام آن‌ها موضوع انتقال فناوری به شکل توصیه و از طریق همکاری میان دولت‌ها مطرح شده است. مثلاً جزء اول بخش ۱۴ ضمن توضیح اهمیت ترویج و توسعه انتقال فناوری دریایی، ساز و کار اساسی رسیدن به آن را «همکاری‌های دولتی» توصیه می‌کند.

براساس این مقرر، دولت‌ها موظف هستند که به‌طور مستقیم و یا از طریق نهادهای بین‌المللی ذیصلاح همکاری لازم را به‌طور فعال و تا آن جا که برای‌شان مقدور است، برای ترویج، توسعه و انتقال دانش و فناوری دریایی براساس شروط معقول و منصفانه صورت دهند.

از آن جا که این الزام به همکاری، کلی است و شامل تمام کشورهای عضو، اعم از کشورهای توسعه یافته و نیافته می‌شود، لذا در بند دوم ماده ۲۶۶ موضوع عدم توانایی فناوری مورد لحاظ قرار گرفته و در این خصوص مقرر شده که به‌منظور اجرای تکلیف مقرر در بند اول ماده ۲۶۶ باید به کشورهای که نیازمند مساعدت فنی هستند - به‌ویژه کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته - کمک لازم به عمل آید.

یکی از موارد ابهام این ماده، مفهوم فناوری است که مذاکره‌کنندگان زمان بسیار زیادی را صرف آن کردند. خود ماده تعریفی از فناوری دریایی ارائه نمی‌کند. با وجود این، محدودیت‌هایی که درخصوص همکاری‌های دریایی در بند ۲ این ماده درج گردیده، تعریف و حدود و ثغور فناوری دریایی را مشخص می‌کند. براساس این بند، همکاری بین دولت‌های عضو محدود به موارد «اکتشاف، بهره‌برداری، حفاظت و مدیریت منابع دریایی، حمایت از محیط زیست دریایی، تحقیقات علمی دریایی و دیگر فعالیت‌های دریایی که مطابق با کنوانسیون است» خواهد بود. برخی از کشورها نسبت به این تعریف به دلیل این که دریانوردی را دربر نمی‌گیرد اعتراض کردند. اما خیلی از شرکت‌کنندگان با این اعتراض موافق نبودند و اعتقاد داشتند که محدودیت‌های بالا دلالت بر فعالیت‌های دریایی و در نتیجه، فناوری پیشرفته دریایی دارد.^{۷۹}

78. M.H.Nordquist, S. Rosenne and Alexander Yankov, *The United Nations Convention on the Law of the Sea 1982: A Commentary*. Vol. IV, Articles 1982 to 278, Final Act, Annex VI, Marinus, Nijhoff Publishers, Dordrecht/Boston/London, 1991, p. 668.

۹۷. رئیس کمیته سوم مذاکرات حقوق دریاهای سازمان ملل (UCLOS III) در تأیید این نظر، آن را با تعریفی که در گزارش دبیرخانه مذاکرات سوم حقوق دریاهای آمده و تا حدودی بین دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران مقبولیت یافته یکی می‌داند. طبق این تعریف، فناوری دریایی عبارت است از: «مجموعه‌ای از دانش و سخت‌افزار که برای بهره‌برداری از اقیانوس و نیز بررسی و توسعه منابع دریایی به کار می‌رود و به‌طورکلی، شامل عناصری چون اطلاعات فنی، طرح‌ها، دانش فنی، مهندسی، سخت‌افزار، فناوری تولیدی و مدیریت می‌شود. این فناوری نیز مرکب از تجهیزات و دانش فنی است که در صنایع سنتی دریایی چون آرشیتکت دریانوردی، کشتی‌سازی، ماهی‌گیری و فعالیت‌های ساحلی به کار می‌روند و همچنین اقدامات و عملیات جدید مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع زیر بستر دریاهای و هیدروکربن را شامل می‌شود».

به منظور تبیین و توضیح مفاهیم ترویج و توسعه مقرر در ماده ۲۶۶، کنوانسیون در ماده ۲۶۸ پنج عنصر را به عنوان هدف‌های اساسی برنامه‌های ترویج و توسعه بیان می‌کند. این موارد به ترتیبی که توضیح داده می‌شود در ماده مزبور پیش‌بینی شده‌اند:

الف) تحصیل، ارزیابی و اشاعه فناوری دریایی و تسهیل دستیابی به آن،

ب) توسعه فناوری دریایی مناسب،

ج) توسعه ساختار فناوری لازم برای تسهیل انتقال فناوری دریایی،

د) توسعه منابع انسانی از طریق آموزش اتباع کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه اتباع کشورهای که در کم‌ترین سطح توسعه هستند؛

ه) همکاری‌های دولتی در تمام سطوح اعم از دو و چندجانبه و منطقه‌ای.

ماده ۲۶۹ پنج تدبیر را به منظور رسیدن هدف‌های بالا برمی‌شمارد: استقرار همکاری‌های فنی، ایجاد و ترویج محیط مناسب برای انعقاد قراردادها و سایر توافقات و ترتیبات مشابه تحت شرایط معقول و منصفانه، برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارها، ترویج مبادله دانشمندان و کارشناسان فناوری و طرح و اجرای مشارکت‌های مدنی و قراردادی و سایر اشکال همکاری.

نظر به کلی بودن مقررات بالا و به منظور حمایت از منافع مالکان خصوصی فناوری، ماده ۲۶۷ در زمینه اجرای برنامه‌های فوق‌الذکر، دولت‌های عضو را مکلف ساخته که در راستای ترویج همکاری‌های مقرر در جزء اول بخش ۱۴ کنوانسیون، تمام منافع مشروع از قبیل حقوق و تکالیف مالکین، تهیه‌کنندگان و نیز دریافت‌کنندگان فناوری دریایی را رعایت کنند.

جزء دوم در خصوص همکاری‌های بین‌المللی است که پنج ماده، یعنی مواد ۲۷۰ تا ۲۷۴ به آن اختصاص داده شده است. ماده ۲۷۰ همانند ماده ۲۶۹ بسیار کلی است و در خصوص همکاری‌های بین‌المللی از زبانی بسیار کلی و مجمل استفاده کرده است. در این ماده، همکاری‌های بین‌المللی در توسعه و انتقال فناوری دریایی پیش‌بینی شده است. نوع این همکاری‌ها توضیح داده نشده و فقط به این که این نوع همکاری‌ها می‌توانند در سطوح مختلف دو یا چندجانبه و منطقه‌ای باشند اکتفا شده است.

ماده ۲۷۱ الزام به تدوین رهنمودها، ضوابط و معیارهای لازم برای همکاری‌های فوق‌الذکر را مقرر و ماده ۲۷۲ از برگزارهای برنامه‌های منطقه‌ای و جهانی در این خصوص صحبت می‌کند. شایان ذکر است در حالی که سه ماده یاد شده مربوط به فناوری دریایی است ماده ۲۷۳ و ۲۷۴ همکاری در این زمینه را محدود به فناوری مورد استفاده در منطقه بستر زیر دریایی آزاد - تحت نظارت مقام بین‌المللی بستر دریاهای آزاد - می‌داند.

UN doc. A/CONF.62/C.3/L.22, *Description of some types of marine technology and possible methods for their transfer: report of the Secretary General*, 27 February 1975, pp. 201-207.

جزء سوم بخش ۱۴ کنوانسیون در خصوص تأسیس مراکز تحقیقات فناوری دریایی در سطح ملی و منطقه‌ای است که در این راستا کشورهای عضو را ملزم ساخته تا کشورهای در حال توسعه را کمک کنند (مواد ۲۷۵ تا ۲۷۷).

جزء چهارم به سازمان‌های بین‌المللی که در امور مربوط به فناوری و انتقال آن اشتغال دارند اختصاص یافته است. در این باره، این سازمان‌ها ملزم شده‌اند تدابیر لازمی را برای توسعه و انتقال فناوری دریایی به کشورهای عضو - به‌ویژه کشورهای در حال توسعه - اتخاذ کنند. همانند جزءهای پیش‌گفته، زبان مورد استفاده در این جزء مجمل و عاری از هرگونه صراحت و شفافیت است.

این اجمال چند علت دارد: یکی این که موضوع ترویج و انتقال، فناوری است. از آن جا که فناوری در اکثر موارد مال خصوصی است و خصلت دانش بودن فناوری، امکان تقلید از آن را بسیار آسان می‌کند، حمایت از آن یا به صورت ثبت آن به شکل صدور پروانه اختراع یا ثبت علائم یا اسامی تجاری است یا در صورت عدم امکان به شکل رازداری است. لذا به منظور حمایت از مالکان و دارندگان فناوری، زبان مورد استفاده در کنوانسیون به‌گونه‌ای است که این نوع فناوری را در برنگیرد و الزامات انتقال به صورتی تدوین و تنظیم شوند که اجرای آن‌ها محدود به اجرای برنامه‌های عملی و آموزشی و همکاری‌ها فناوری فناوری عمومی و غیرخصوصی باشد.

نظام حقوقی انتقال فناوری ماده ۱۴۴ کنوانسیون حقوق دریاها

موضوع این ماده، همکاری در انتقال و توسعه فناوری بین کشورهای عضو است با این تأکید که در این خصوص باید به کشورهای در حال توسعه مساعدت شود. در این ماده همانند بخش ۱۴ کنوانسیون از زبان بسیار مجمل و کلی استفاده شده و دقت لازم به کار برده شده تا الزامات همکاری شامل فناوری خصوصی نشود. تنها فرق اساسی که بین این ماده و بخش ۱۴ وجود دارد این است که برخلاف بخش ۱۴ این ماده محدود به فناوری مورد استفاده در استخراج منابع در منطقه است.

این ماده، مقام بین‌المللی و از طریق آن، کشورهای عضو را ملزم می‌کند که تدابیر لازم را برای ترویج انتقال فناوری مورد بهره‌برداری در فعالیت‌ها و عملیات در منطقه اتخاذ کنند. ماده مزبور نوع و کیفیت این تدابیر را مشخص نمی‌کند، ولی در دو بند، دو مصداق از آن‌ها را عنوان می‌کند. در بند اول ترویج انتقال را به شکل زیر مطرح می‌سازد:

ایجاد و اجرای برنامه‌ها به منظور ترویج انتقال فناوری مورد نیاز در منطقه^۸ به کشورهای در حال توسعه، نظیر تسهیل دستیابی این کشورها به فناوری مورد نیاز تحت شرایط منصفانه و معقول.

۸. منظور از The Area بستر یا زیر بستر منطقه یا مناطق دریایی است که خارج از صلاحیت ملی کشورها است. ر.ک: ماده ۱ کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲).

در بند دیگر، اتخاذ تدابیر لازم برای شتاب بخشیدن به انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه و ایجاد فرصت برای کارکنان این کشورها به منظور فراگیری علوم و فناوری دریایی و شرکت فعال در عملیات و فعالیت‌های منطقه‌ای پیش‌بینی شده است.

ماده ۵ ضمیمه سوم کنوانسیون که اختصاص به فناوری استخراج کلوخه‌های منگیزی دارد نیز از نظام حقوقی توصیه‌ای پیروی می‌کند و در این زمینه، ضمن این که دولت‌ها و کارگزار مقام بین‌المللی را به رعایت حقوق مالکین فناوری ملزم می‌سازد، ایجاد زمینه همکاری میان دولت‌ها را در خصوص دسترسی کشور متقاضی به فناوری توصیه می‌کند.^{۸۱}

۱۸. البته نظام حقوقی این ماده تا پیش از دهه نود قرن بیستم میلادی نه تنها از حیث انتقال فناوری الزام‌آور بود، بلکه دسترسی یا امکان استخراج کلوخه‌ها را مشروط به انتقال فناوری مورد استفاده، به کارگزار مقام بین‌المللی و یا کشور در حال توسعه متقاضی بهره‌برداری می‌ساخت. به عبارت دیگر، الزام مقرر در این ماده بدین ترتیب بود:

اولین الزام مربوط به زمانی است که متقاضی بهره‌برداری تقاضانامه خود را تسلیم مقام بین‌المللی می‌کند. طبق بند ۱ ماده ۵ متقاضی باید توصیفات کلی تجهیزات و روش‌هایی را که برای بهره‌برداری در منطقه به کار می‌برد همراه با سایر اطلاعات مربوط به خصوصیات فناوری مورد استفاده و محل تحصیل آن‌ها در برنامه کاری خود که ضمیمه تقاضانامه است قید کند. در صورت تصویب تقاضانامه و برنامه کاری، دارنده فناوری که از آن به بعد متصدی یا مجری عملیات بهره‌برداری خوانده می‌شود ملزم خواهد شد که تغییرات و یا اصلاحات و به‌سازی فناوری را اطلاع دهد. هدف از این الزام، کمک به کارگزار مقام بین‌المللی است در اتخاذ تصمیم مبنی بر این که خود مبادرت به انجام عملیات بهره‌برداری کند یا خیر. علاوه بر این، در صورتی که تصمیم به بهره‌برداری بگیرد به آن کمک می‌کند که با انواع فناوری‌های موجود آن فناوری را که مناسب تشخیص می‌دهد انتخاب کند.

الزام دیگر، انتقال خود فناوری به کارگزار و یا کشور در حال توسعه‌ای خواهد بود که مایل به بهره‌برداری از کلوخه‌ها است. در این خصوص مجری و یا پیمانکار ملزم می‌شود که به یکی از طرق زیر فناوری مورد استفاده را منتقل سازد:

۱. یک مورد مربوط به شرایطی است که در آن، پیمانکار یا مجری عملیات دارنده آن فناوری است و قانوناً حق انتقال آن را دارد. در چنین وضعیتی، مجری ملزم شده که انتقال را از طریق قراردادهای لیسانس یا ترتیبات مناسب دیگر — مثل مشارکت — عملی سازد.
۲. وضعیت دیگر در خصوص شرایطی است که مجری، مالک فناوری نباشد و در نتیجه حق انتقال نداشته باشد. در مورد این وضعیت، ماده ۵ دو موقعیت را پیش‌بینی کرده است:

یک موقعیت به موردی اطلاق می‌شود که کارگزار مقام بین‌المللی تصمیم می‌گیرد که خود مستقیماً و شخصاً با مالک فناوری مذاکره کند. در چنین حالتی، مجری ملزم شده که تعهد یا تضمینی کتبی از شخص ثالث که مالک فناوری مورد استفاده است اخذ کند بر اساس آن تعهد و تضمین می‌کند. در صورتی که مقام بین‌المللی انتقال فناوری را بخواهد مشارکاً به مورد درخواست را تسهیل و عملی کند.

حالت دوم زمانی است که کارگزار مقام بین‌المللی تصمیم بگیرد که فناوری را نه به‌طور مستقیم، بلکه از طریق مجری یا پیمانکار بگیرد. در چنین حالتی، مجری ملزم شده که انتقال فناوری به کارگزار را به یکی از اشکال قراردادی عملی سازد.

البته ناگفته نماند که انتقال باید تحت شرایط تجاری منصفانه و معقول صورت بگیرد. افزون بر این، زمانی به این انتقال اجباری می‌توان دست یازید که شبیه آن در بازار وجود نداشته باشد و کارگزار برای تحصیل چنین فناوری تلاش‌های لازم را به عمل آورده باشد.

صرف‌نظر از محدودیت بالا، الزام فوق‌الذکر موجب اختلافاتی شدید بین کشورهای توسعه‌یافته، به خصوص ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، آلمان و ژاپن شد و سبب گردید که کنوانسیون حقوق دریاهای، به خصوص ایالات متحده آمریکا — امضا نکنند.

نهایتاً، در سال ۱۹۹۴ تحت تأثیر تحولاتی که در دو دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی به سود بازار پیش آمد و همچنین به دنبال دعوت دبیرکل سازمان ملل، جلسات مشورتی میان کشورهای درگیر صورت گرفت که در نهایت الزام مندرج در ماده ۵ را به کلی دگرگون و آن را به ماده ۱۴۴ فعلی کنوانسیون تبدیل کرد، با این تفاوت که موضوع فناوری مورد انتقال ماده ۵ محدود به استخراج کلوخه است. در این خصوص ر.ک:

❖ ۱۹۳ معاهدات ناظر بر همکاری‌های دولتی و ...

این که این نوع ساز و کار حقوقی می‌تواند وسیله مؤثری برای انتقال باشد یا نه، پرسشی است که پاسخ به آن چندان آسان نیست. تحقیقاتی که در این خصوص توسط برخی نهادها به عمل آمده حاکی از آن است که اجرای برخی از تدابیر که در بخش ۱۴ کنوانسیون و ماده ۱۴۴ آن توصیه شده، نقش نسبتاً مثبتی را در انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه ایفا کرده است. تأسیس مراکز تحقیق و توسعه در سطح ملی و منطقه‌ای (مثل ایجاد کانون فناوری دریایی) و ترتیب و برگزاری برنامه‌های مشترک دو و چندجانبه میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته با کمک آژانس‌های ویژه سازمان ملل از جمله این اقدامات است. با این حال، اغلب تدابیر و برنامه‌هایی که در این ارتباط تدارک و اجرا شده‌اند، کوتاه‌مدت هستند و با هدف‌ها و برنامه‌های ملی و توسعه‌ای درازمدت کشورها هماهنگی نداشته‌اند.

اگرچه در خلال چند سال اخیر تلاش‌هایی برای رفع این محدودیت‌ها به عمل آمده، ولی به دلیل عدم پیگیری لازم و عدم اختصاص بودجه و تربیت و استخدام نیروی ماهر مورد نیاز، این برنامه‌ها از موفقیت کم‌تری برخوردار هستند. از جمله این تلاش‌ها ایجاد مؤسسات منطقه‌ای و بین‌المللی است که هدف آن‌ها برقراری هماهنگی و انسجام میان سیاست‌ها و برنامه‌های دریایی است که نهادهای ملی ذیربط کشورها طرح و اجرا می‌کنند. هدف دیگر این مؤسسات، ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های تحقیق و توسعه کشورها با فعالیت‌های پژوهشی سازمان‌های بین‌المللی است. علاوه بر این، برنامه‌هایی به‌منظور انتقال دانش و فناوری به کشورهای در حال توسعه توسط سازمان‌هایی چون کمیسیون اقیانوس‌شناسی بین‌الدولی تهیه شده است.^{۸۲} هدف این برنامه‌ها بالا بردن سطح فناوری کارکنان کشورهای در حال توسعه است که در این راستا، برگزاری دوره‌های آموزشی و ایجاد برنامه‌های مشترک در فعالیت‌های تحقیق و توسعه میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌توان نام برد.^{۸۳} همان‌گونه که پیش از این مطرح شد، عدم اختصاص بودجه و نیروی لازم، تأثیرگذاری این برنامه‌ها را کاهش داده است. علاوه بر این کمبودها، موانع دیگری هستند که در ناکامی و در بهترین حالت، در کندی فرایند انتقال بی‌تأثیر نبودند. این موانع بیش‌تر ناشی از ناتوانی ساختار اجتماعی - اقتصادی کشورهای در حال توسعه در تأمین نیازهای اساسی اتباع این کشورها است که اسباب «معضل مهاجرت» یا به تعبیری دیگر، پدیده «فرار مغزها» را به بار آورده‌اند.^{۸۴}

D.H. Anderson, "Efforts to ensure universal participation in the United Nations Convention on the Law of the Sea", (1993) 42 *ICLQ*, pp. 654, 661, 663.

82. (Intergovernmental Oceanographic Commission). UN doc. A/46/722 (4 December 1991), *Law of the Sea. Realization of benefits under the United Nations Convention on the Law of the Sea: measures undertaken in response to needs of States in regard to development and management of ocean resources, and approaches for further action*, report of the Secretary General, p. 22.

83. *Ibid.*, pp. 9, 19.

84. *Ibid.*, pp. 10-11, 25-26.

نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد با بررسی معاهدات ناظر بر همکاری‌های دولتی، نقش آن‌ها در جذب و انتقال تکنولوژی نشان داده شود. مطالعات ما در این خصوص، ما را به نتایج ذیل رساند:

معاهدات ناظر بر همکاری‌های دولتی از طبیعتی کلی برخوردارند و گویای تعهدات مستقیم انتقال تکنولوژی نیستند، بلکه زمینه و موجبات انتقال را از طریق ترتیبات دیگری مثل انعقاد قراردادهای لیسانس یا مشارکت و یا برگزاری مراکز تحقیق و توسعه مشترک فراهم می‌سازند.

از حیث هدف و موضوع تعهد، این معاهدات یکسان نیستند و به تبع، نقش آن‌ها در انتقال تکنولوژی متفاوت است. بر این اساس، میان دو نوع از معاهدات تفاوت قائل شده‌ایم: معاهداتی که درخصوص فناوری، نقش غیرفعال و در نتیجه غیرمستقیم دارند و معاهداتی که دارای نقشی فعال و مستقیم هستند.

در مورد گروه اول، نشان داده شد که مبادرت به این گونه ترتیبات یا برای هدف‌های سیاسی، مانند شناسایی یا حمایت سیاسی از یک کشور بود یا توسل به آن‌ها به منظور حمایت از سرمایه‌گذاران کشورهای طرف معاهده در قلمرو یکدیگر صورت می‌گرفت. مطالعات بعدی، نشان داد که با گذشت زمان، آخرین غرض، یعنی حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در این نوع معاهدات، به‌ویژه در روابط میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، جایگاه مهمی را به خود اختصاص داد.

دو دلیل متفاوت و در عین حال مرتبط درخصوص توجیه این حمایت عنوان شده است: (۱) تأمین و تضمین حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی موجب جذب سرمایه‌های مالی و غیرمالی خارجی می‌شود، (۲) به‌کارگیری این سرمایه‌ها و به تعبیری فعالیت اقتصادی بنگاه‌های خارجی در کشور در حال توسعه موجب می‌گردد تا بنگاه‌های محلی با فناوری مورد بهره‌برداری سرمایه‌گذار خارجی آشنا و فناوری مشابهی را تولید کنند.

ضمن عدم انکار چنین پیامدی، محدودیت و عدم قطعیت آن را از دو جنبه بررسی کردیم: اولاً حصول به چنین نتیجه‌ای مشروط به احراز شرایطی است که برخورداری از قابلیت و ظرفیت صنعتی و اقتصادی کشور سرمایه‌پذیر در به‌کارگیری و جذب تکنولوژی، عمده‌ترین آن‌ها را تشکیل می‌دهد. به‌علاوه باید بر این واقعیت تأکید ورزید که چون تکنولوژی، مزیت نسبی و برتری رقابتی مالک آن را تأمین می‌کند، مالک فناوری زمانی حاضر به انتقال می‌شود که یا حق انحصاری‌اش نسبت به فناوری منقضی شده باشد و یا این که فناوری جدیدی را جایگزین آن کرده باشد. بدین سبب، این نتیجه به دست آمد که چنین انتقالی، در صورت حصول، صرفاً در دراز مدت صورت می‌پذیرد.

ثانیاً در ارتباط با معاهدات دوجانبه و چندجانبه سرمایه‌گذاری خارجی و نقش آن‌ها در انتقال فناوری - برخلاف ادعایی که درخصوص نقش این موافقتنامه‌ها در جذب سرمایه و فناوری خارجی می‌شود - وجود رابطه علی و معلولی میان این دو مورد تردید قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که وجود مجموعه عواملی

چون ثبات سیاسی و اقتصادی، قوانین و مقررات داخلی کشور میزبان، عوامل اقتصادی مثل ظرفیت بازار داخلی کشور سرمایه‌پذیر و هزینه‌های مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری (از قبیل مواد اولیه، سرمایه‌های مالی و واسطه‌ای و نیروی کار)، و همچنین دسترسی به منابع طبیعی، نقش بیش‌تری در جذب سرمایه و فناوری داشته‌اند تا صرف وجود چنین معاهداتی. با این حال، خاطرنشان ساختیم که این معاهدات می‌توانند به‌عنوان یکی از عوامل، در انتقال تأثیرگذار باشند، ولو به نحو محدود.

درخصوص گروه دوم، یعنی معاهدات مستقیم و فعال، نخست نقش مثبت آن‌ها در زمینه‌های مختلف صنعتی توضیح داده شد و سپس مصادیق انتقال‌های صورت گرفته زیر برشمرده شد.

- ایجاد فضای مساعد برای ورود سرمایه و فناوری خارجی،

- مساعدت در تشکیل و تأسیس شرکت‌های تجاری،

- تأسیس مراکز علمی و فنی برای فعالیت‌های پژوهشی و برگزاری برنامه‌های آموزشی برای پرسنل

کشورهای در حال توسعه،

- نصب و راه‌اندازی صنایع معدنی و تولیدی و آموزش کارکنان محلی کشور میزبان.

اما، استفاده از این کانال‌ها با محدودیت‌هایی همراه بوده است. مشروط کردن کمک‌های مالی و فنی به استفاده از تجهیزات، ابزار و ماشین‌آلات غیرضروری از یک‌سو و نامناسب بودن این کمک‌ها برای هدف‌های فناورانه و صنعتی از سوی دیگر، نه‌تنها فرایند انتقال را خدشه‌دار می‌سازد، بلکه به وخامت وضعیت اقتصادی کشور میزبان می‌افزاید. یکی از دلایل عمده این محدودیت‌های انتقال را در سیاست و برنامه‌های اقتصادی و صنعتی کشورهای صادرکننده و به عبارتی کشورهای متبوع مالکان تکنولوژی یافتیم. این کشورها تا زمانی که صادرات و انتقال تکنولوژی به رقابت اقتصادی و صنعتی‌شان خدشه وارد نکند حاضر به انتقال خواهند بود. بهترین مصداق این رویه، قانون صادرات ۱۹۷۰ ایالات آمریکا است که انتقال را مشروط به بودن شرایط زیر می‌داند:

- مزیت رقابتی بنگاه‌های اقتصادی صادرکننده فناوری آن کشور را از بین نبرد،

- اقتصاد محلی را با هدر دادن مواد اولیه کمیاب تضعیف نکند، و

- با ارتقای قابلیت فناوری کشور در حال توسعه در طرح، ساخت و استفاده از سخت‌افزارهای نظامی

امنیت ملی خود را به خطر نیندازد.

علت دیگر محدودیت در انتقال را در عامل داخلی و به تعبیر دیگر مدیریت محلی کشور میزبان، یعنی عنصر «حکمرانی» دیدیم. عدم تخصیص و عدم استفاده از منابع مالی و غیرمالی، که به‌منظور انتقال از سوی کشورها و یا نهادهای مالی اعطا می‌شوند، در فعالیت‌های علمی، پژوهشی از جمله مصادیق مهم این موانع به شمار می‌آیند.

در بررسی و مطالعه معاهدات بین‌المللی، از جمله کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲)، نتایج چندان متفاوتی

حاصل نشد. اولاً همانند توافقنامه‌های دو و چندجانبه زبان مورد استفاده در آن‌ها بسیار کلی و مجمل است و الزام مستقیم به انتقال فناوری را مقرر نمی‌کند و صرفاً انعقاد ترتیبات و توافقات مربوط به انتقال را توصیه و تسهیل می‌کند. به عبارتی دیگر، الزام انتقال «غالباً» به شکل اعلام برنامه‌های هدفمند است که به زبان توصیه نگارش یافته است؛ زبانی که الزام را به شکلی تعهد به مذاکره و انعقاد قرارداد در آینده توصیف می‌کند».

از حیث اثر، پیامدهای مثبتی از اجرای این معاهدات آشکار گردید که به انتقال تکنولوژی از طرق گوناگون، چون مصادیق زیر جامه عمل پوشانده است:

نشر و توزیع رهنمودها، برگزاری سمینارها و تأسیس نهادهای خاص برای انتقال تکنولوژی، تأسیس مراکز اطلاعاتی در خصوص زمینه‌های مختلف اقتصادی و صنعتی، ایجاد مراکز تحقیق و توسعه در سطوح ملی و منطقه‌ای و تشکیل مؤسسات منطقه‌ای و بین‌المللی به منظور ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های پژوهشی ملی در بین کشورها از یک سو و فعالیت‌های تحقیق و توسعه سازمان‌های بین‌المللی از سوی دیگر. این دستاوردها بدون محدودیت نبوده‌اند و همانند موافقتنامه‌های دیگر، موانعی فرا راه آن‌ها بوده است. عدم تخصیص منابع مالی و غیرمالی لازم برای انجام پروژه‌های علمی و صنعتی و مهم‌تر از همه فقدان قابلیت فناوری لازم برای جذب تکنولوژی از یک سو و ضعف ساختار اجتماعی - اقتصادی در تأمین نیازهای اقتصادی محلی از سوی دیگر از مصادیق این محدودیت هستند.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. اصغرزاده، عبدالله، *آشنایی با تجارت متقابل*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، اردیبهشت ۱۳۷۴.
۲. الهی، همایون، *کمک خارجی و توسعه نیافتگی*، نشر قومس، تهران، ۱۳۸۲.
۳. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، *راهنما و مشخصات معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول* (موجود در وزارت امور خارجه: ۱۳۷۵-۱۱۸۵ هجری شمسی، ۱۸۰۷-۱۹۷۹ میلادی، تهران، ۱۳۶۷).
۴. سریع‌القلم، محمود، *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران*، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۵. شاکریان، شاهرخ، و شکوه فقیری (تهیه و تنظیم)، *مجموعه توافقی‌های تشریفاتی ایران و سایر کشورها*، تهران، ریاست جمهوری، اداره کل قوانین و مقررات کشور، اداره چاپ و انتشار، ۱۳۷۵-۱۳۷۶.
۶. صحرائیان، علی، «ثبات قراردادی با تأکید بر نمونه قراردادهای اکتشاف و استخراج نفت» *مجله پژوهش‌های حقوقی، علمی ترویجی*، سال هشتم، شماره ۱۶، پائیز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۳۲۷-۲۸۹.
۷. عامری، فیصل، «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نقش آن در انتقال فناوری به کشورهای رشد یابنده» *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۵، سال سوم، پائیز و زمستان ۱۳۸۰، ص ۶۵-۳۹.
۸. عامری، فیصل، «حق توسعه و ضرورت بازنگری در آن»، *مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی بررسی حقوق بین‌الملل بشر* (تهران، اردیبهشت ماه ۱۳۸۱)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی با همکاری دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ناشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱، ص ۱۷-۱۶۹.
۹. عامری، فیصل، «شرکت‌های نفتی و معضل اعمال حمایت دیپلماتیک توسط ایران» *مجله پژوهش‌های حقوقی*، سال هشتم، شماره ۱۶، پائیز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۳۲۹-۳۵۴.
۱۰. عظیمی، حسین، *ایران امروز در آینه مباحث توسعه: برای حل بحران‌های کوتاه و بلند مدت اقتصادی کشور چه می‌توان کرد؟*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

ب) انگلیسی

1. Ameri, Faysal *The International Legal Regime for the Transfer of Technology to Developing Countries with Special Reference to Deep Seabed Mining*, unpublished Ph.D. thesis, Law Department, University of Manchester, 1994.
2. Ammamaria La Chimia and Sue Arrowsmith, "Addressing Tied Aid: Towards a More Development-Oriented WTO?", (September 2009) 12, 3, *Journal of International Economic Law*, pp. 707-747.
3. Anderson, D.H. "Efforts to ensure universal participation in the United Nations Convention on the Law of the Sea", (1993) 42 *ICLQ*, p. 654.
4. Baird, Nicola, "Tied to the Hand that Feeds", (1996) 2051, *New Scientist*, 13.
5. Bifani, P. "Intellectual Property Rights and International Trade", in UNCTAD, *Uruguay Round, Papers on selected issues*, doc. UNCTAD/ITP.10, NY, 1989, 129-183.
6. Dunning, J.H. "Technology Exports and Technology Transfer Controls" in T.Sagafi-Nejad, R.W. Moxon, H. V. Perlutter (eds.), *Controlling International Technology Transfer: Issues, Perspectives, and Policy Implications*, Pergamon Press, Oxford, 1981, 331-361.
7. Easterly, William, *The Elusive Quest for Growth: Economists' Adventures and Misadventures in the Tropics*, 2001, Cambridge, MA, MIT Press.
8. Encyclopædia Iranica, "Russia ii. Iranian-Soviet Relations (1917-1991)", <http://www.iranica.com/articles/russia-ii-iranian-soviet-relations-1917-1991>.
9. Energy Charter Secretariat, *The Energy Charter Treaty and Related Documents: A Legal Framework International Energy Cooperation*, Energy Charter Secretariat, Brussels, 2004.
10. E. Hinzen and D. Peavoy, "Joint venture investment in ACP countries –

- CDI's functions and experience", (March-April 1987) *102 The Courier*, 86-89.
11. Ivaneko, V. "Twenty Years of Soviet, Iranian Economic and Technical Cooperation", (1984)1, (Russian Text), *Vneshnia Forgoulia*, translated by Michel Vale, pp. 24-27.
 12. Jerry M. Rosenberg, *The Essential Dictionary of International Trade*, Barnes & Noble Books, New York, 2004.
 13. M.Blakeney, *Legal Aspects of the Transfer of Technology to Developing Countries*, ESC Publishing Ltd., Oxford, 1989.
 14. Mehrotra, S. *India and the Soviet Union: Trade and Technology Transfer*, Cambridge University Press, Cambridge, 1990.
 15. Rosenstein-Rodan, Paul (1961) 42, 2 "International Aid for Underdeveloped Countries", *Review of Economics and Statistics*, pp. 107-38.
 16. Rostow, Walt, *The Stages of Economic Growth: A Noncommunist Manifesto*, 1960 (3rd ed. 1990), London, Cambridge University Press.
 17. Sachs, Jeffrey, *The End of Poverty: Economic Possibilities for Our Time*, 2006, New York, Penguin.
 18. Shalendra D. Sharma, *Achieving Economic Development in the Era of Globalization*, 2008, Routledge, Taylor & Francis Group, London and New York.
 19. Sornarajah, M. *The International Law on Foreign Investment*, (2nd ed.) Cambridge University Press, 2007.
 20. Standke, K.H. "International cooperation in science and technology: classical options and new opportunities for Africa", (1988)3,4 *Int. J. Technology Mangement*, 439.
 21. The Director General for the Development and International Co-operation, *Towards the New International Economic Order*, UN Pub. NY, 1982, Sales No. E.82.II. A7.
 22. UNCTAD, *Bibliography of Documents on Transfer and Development of Technology*, UNCTAD doc., TD/B/C.6/INF.2/Rev.4 (10 Dec.1984).

23. UNCTAD, *Draft International Code on the Transfer of Technology*, TD/CODE TOT/47 (5 June 1985).
24. UNIDO, *Guidelines for the Acquisition of Foreign Technology in Developing Countries with Special Reference to Technology Licensing Agreements*, UN Sales No. E.73II.B.1(April 1973).
25. UNCTAD (2006), *International Investment Arrangements: Trends and Emerging Issues*, UNCTAD Series on International Investment Policies for Development, United Nations, New York & Geneva, 2006, UNCTAD/ITE/IIT/2005/11.
26. UNCTAD (2008), *Investment Promotion Provisions in International Investment Agreements*, UNCTAD Series on International Investment Policies for Development, United Nations, New York and Geneva, 2008, UNCTAD/ITE/IIT/2007/7.
27. UNCTAD, *Organisational forms of transfer of technology to developing countries by small and medium sized enterprises: a case study of equity joint ventures and technology transfer agreements in Latin America*, UNCTAD doc., TD/B/C.6/77, 18 May 1982.
28. UNCTAD, *UNCTAD VIII. Analytical report by the UNCTAD Secretariat to the Conference*, UN Pub. Doc. No. TD/358, NY, 1992, table III, 1.
29. UNCTAD (2009), *The Role of International Investment Agreements in Attracting Foreign Direct Investment to Developing Countries*, UNCTAD Series on International Investment Policies for Development, UN, New York and Geneva, 2009, UNCTAD/DIAE/IA/2009/5.
30. UNCTC, *Transnational Corporations in World Development. Trends and Prospects*, UN Pub. Doc. No. TD/CTC/89, New York, 1988.
31. WIPO, *Industrial Property and Development*, WIPO, doc. CARIP/SEP/IP86/I (Jan. 1986).
32. WIPO, *Model Law for Developing Countries on Inventions*, vol. I (1979), vol. II (1980).

33. Zaleski E. and H. Wienert, *Technology Transfer between East and West*, Paris, OECD, 1980.